

## Examining the waqf's evidence of Okhovat Kazemain elementary school in 1340 A.H.

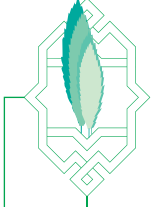
Mahshid Sadat Eslahi\*

### Abstract

Learning science has a long history among Iranians and it has appeared in different forms in different historical periods in different conditions. The traditional education system was formed in the form of schools in the Safavid period. Schools were generally divided into two types, private and public. The private type was for the rich and the nobles and the public type was for the common people. Gradually, with cultural and educational developments, this process changed and modern education was formed in the Qajar period by establishing different schools with different rules and lessons and according to the needs of the society. Therefore, it can be acknowledged that the institution of schools in Iran was formed in a new way from the time of Qajar. Okhovat Kazemain elementary school was one of the schools that was built to educate the children of Iranians living there and with the aim of learning science. The purpose of this research is to read and analyze the waqf's evidence of Okhovat Kazemain elementary school in 1340 AH. The research method is descriptive and analytical and based on archival documents of the National Library of Iran. The results of the research show that Waqif considers the education of children of Iranian nationals to be one of the most important aspects of education and he stressed that if the school is dissolved for some reason, the place of the said school will be used for charity.

**Key words:** Waqf's evidence, Charity, Schools, Okhovat Kazemain elementary school, Iraq.

\*. Doctoral student of Iranian history of the Islamic period/ Persian Gulf University/ Bushehr  
maheslahi@gmail.com



## دراسة رسالة الوقف لمدرسة اخوت كاظمين الابتدائية عام ١٩٦١م

مهشيد سادات اصلاحي\*

### الخلاصة

تدريس العلوم في ايران له تاريخ طويل و قد ظهر بأشكال مختلفة في فترات تاريخية مختلفة و في ظروف مختلفة. تم تشكيل نظام التعليم التقليدي على شكل مدارس في العصر الصفوي. تم تقسيم المدارس بشكل عام إلى نوعين، خاصة وعامة. و كان نوعه الخاص للنبلاء و العام لعامة الناس. تدريجياً و مع التطورات الثقافية و التعليمية تغيرت هذه العملية و تشكل التعليم الحديث في العصر القاجاري من خلال إنشاء مدارس مختلفة ذات قواعد و دورات مختلفة و وفقاً لاحتياجات المجتمع. لذلك يمكن الاعتراف بأن مؤسسة المدارس في إيران تشكلت بشكل حديث منذ زمن القاجار. مدرسة اخوت كاظمين الابتدائية كانت إحدى المدارس التي تم بناؤها لتعليم أطفال الإيرانيين الذين يعيشون هناك بهدف تدريس العلوم. يهدف البحث الحالي إلى إعادة قراءة و تحليل رسالة الوقف لمدرسة أخوت كاظمين الابتدائية عام ١٩٦١ م. منهج البحث وصفي و تحليلي و يعتمد على الوثائق الأرشيفية للمكتبة الوطنية الإيرانية. تظهر نتائج البحث أن الواقف اعتبر تعليم أطفال المواطنين الإيرانيين أحد أهم جوانب التعليم و شدد على أنه في حالة حل المدرسة لسبب ما، يجب استخدام موقع المدرسة المذكورة للأعمال الخيرية.

**الكلمات المفتاحية:** الوقف، الامور الخيرية، المدارس، مدرسة اخوت كاظمين الابتدائية، العراق

\*. طالب دكتوراه في تاريخ إيران في الفترة الإسلامية/ جامعة الخليج الفارسي/ بوشهر

maheslahi@gmail.com

## بررسی وقفنامه دبستان اخوت کاظمین در سال ۱۳۴۰ ه.ش



مقاله پژوهشی

مهشید سادات اصلاحی\*

### چکیده

علم‌آموزی در نزد ایرانیان سابقه‌ای دیرینه دارد و در ادوارهای مختلف تاریخی به شکل‌های گوناگون در شرایط مختلف نمود پیدا کرد. نظام آموزش سنتی به صورت مکتب‌خانه‌ها در دوره صفویه شکل گرفت. مکتب‌خانه‌ها به صورت عام به دو نوع خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌شدند. نوع خصوصی آن برای افراد اعیان و اشراف و عمومی برای عامه مردم بود. به تدریج با تحولات فرهنگی و آموزشی این روند تغییر کرد و آموزش نوین در دوره قاجار با تاسیس مدارس مختلف با قوانین و دروس مختلف و با توجه به نیازهای جامعه شکل گرفت. بنابراین می‌توان اذعان نمود که نهاد مدارس در ایران به صورت نوین از زمان قاجار شکل گرفت. دبستان اخوت کاظمین یکی از مدارس بود که جهت آموزش فرزندان ایرانیان ساکن در آنجا با هدف علم‌آموزی ساخته شد. هدف از پژوهش حاضر بازخوانی و تحلیل وقفنامه دبستان اخوت کاظمین در سال ۱۳۴۰ ه.ش می‌باشد. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی کتابخانه ملی ایران می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که واقف، تعلیم و تربیت فرزندان اتباع ایران را از امور مهم تربیت می‌دانست و تاکید نموده که اگر به دلایلی مدرسه منحل شد باز هم محل مدرسه مذکور، صرف امور خیریه گردد.

**واژگان کلیدی:** وقفنامه، امور خیریه، مدارس، دبستان اخوت کاظمین، عراق.



## مقدمه

آموزش و پرورش شامل یک فرآیندی است که کسب دانش و مهارت از طریق تجارب یادگیری ساختاریافته آن شکل می‌گیرد. آموزش در مفهوم عام، بر توسعه توانایی‌های خاص برای یک شغل یا وظیفه خاص تمرکز دارد. البته هدف آموزش، ارتقای قابلیت‌های افراد، بهبود عملکرد و آماده‌سازی آنها برای آینده با ارائه اطلاعات، تمرین و راهنمایی معلمان می‌باشد. مساله تعلیم و تربیت در ایران براساس معیارها و چارچوب به خصوصی است که در ادوار مختلف تاریخی دارای فراز و نشیب بسیاری بود. آموزش به معنای عمل آموختن و تعلیم دادن آمده است «آموزش فعالیتی اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه ای را پدید می‌آورد» (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: مقدمه). در واقع آموزش فرآیند آگاه‌سازی، بینش و تفکر منطقی و بستر توسعه اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی یک جامعه است که به عنوان ساز و کار و وسیله انتقال باورها و ارزش‌ها و در نوع خود بهترین ابزار پیشرفت و توسعه و تسلط انسان می‌باشد و خود ابزاری مولد هستند. آموزش در حقیقت نقش جوامع انسانی و جایگاه آنان را در تحولات آینده بشری تعیین و تثبیت می‌نماید (غزالی، ۱۳۸۰: ۲۰۷). در دوره صفویه مکتب‌خانه‌ها به دو صورت عمومی و خصوصی تقسیم می‌شدند. در مکتب‌خانه‌های عمومی که شکل معمول و رایج مکتب‌خانه‌ها را شامل می‌گشت، همه کودکان از اقشار مختلف و متفاوت با یکدیگر، به فراگیری دروس و یادگیری می‌پرداختند. در مقابل، مکتب‌خانه‌های خصوصی معمولاً به امیرزادگان و بزرگ‌زادگان و فرزندان اعیان جامعه اختصاص داشت که گذشته از داشتن محاسن و فوایدی در امکانات و آسودگی بیشتر اطفال و همین‌طور درآمد و خدمات بهتری جهت معلمان، برپایی‌اش نتیجه رواج پاره‌ای دیدگاه‌های تربیتی بود که بر سرایت خُلق و خوی نادرست و ناصواب در همنشینی با اطفال بی ادب و دون پایه تاکید می‌کرد (شاردن، ۱۳۳۸، ج ۵، ۴۱-۳۷). پیش از احداث مدارس به روش نوین، کودکان و نوآموزان در مکانهایی به نام مکتب‌خانه خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند. ولی در بیشتر موارد چون روشی مستبدانه در آموزش به دانش‌آموز اعمال می‌شد بیشتر محصلین از درس و مدرسه گریزان می‌شدند و بی‌سوادی را به سخت‌گیری‌های زیاد ترجیح می‌دادند. مکتب‌خانه دکان یا اتاق بزرگی بود که مکتب‌دارها یا ملاجی‌های زن آن را اداره می‌کردند. صورت ظاهر مکتب‌خانه عبارت بود از فرش، حصیر، نمد و یا گلیمی

مدرس و میز پاکوتاه و تشکچه مکتب دار و چند ترکه آبالو و انار که روی زمین و کنار میز قرار داشت و چوب فلکی نیز در کنار اتاق قرار داشت. چوب فلك چوبی بود به قطر دستة بیل و به طول يك متری که در دو قطعه میان آن با سی چهل سانت فاصله دو سوراخ ایجاد کرده بودند. طنابی به طول يك متر این از سوراخ‌های گذرانده سر آن را گره می‌زدند. طرز کار بدینگونه بود که مقصر را می‌خوابانند و پاهایش را از طناب رد کرده و دو نفر نیز دوسوی چوب را گرفته و آن را محکم می‌پیچاند تا پاها از طناب خارج نشود و يك نفر هم مأمور چوب زدن به کف پاها می‌شد. کنار دست مکتب‌دار نیز همیشه دو ترکه وجود داشت، یکی کوتاه برای بچه‌هایی که نزدیک مکتب‌دار و پای میز می‌آمدند و خوب در دسترس بودند دیگری بلند برای کسانی که اجازه گریز به خود می‌دادند و کنار می‌کشیدند یا جایشان دورتر از مکتب‌دار بود (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۲۴). به تدریج در اواخر دوره صفویه تاسیس مدارس به شکل علوم دینی رواج پیدا کرد و بسیاری از طلاب و علما از این طریق آموزش می‌دید و با دروس فقهی و دینی آشنا می‌شدند. در ابتدای دوره قاجار نظام تعلیم و تربیت به صورت سنتی بود و افراد تحت تعلیم مکتب خانه‌ها آموزش می‌دیدند. مکتب خانه‌ها به عنوان یک نهاد سنتی توانست تا حدودی بحث تعلیم و تربیت را برای کودکان به وجود آورد. در نیمه‌های دوره قاجار و پس از به صدرا رسیدن امیرکبیر، نظام آموزشی دوره قاجار تحت تاثیر سفرهای اروپائی متحول شد. تاسیس دارالفنون در این برهه زمانی نماد آموزش و پرورش نوینی بود که با حضور مدرسان ایرانی و اروپایی شکل گرفت. این مدرسه با تنظیم قوانین و آئین نامه‌های آموزشی رشته‌های مختلفی را پایه‌گذاری کرد. باید اذعان نمود که نظام تعلیم، تربیت و شیوه عملکرد و اقدامات آن توسط دولت مردان به صورت مستمر یکسان نمی‌باشد و طی شرایط مختلف جامعه و حکومت و همچنین تغییرات اجتماعی تحول و دگرگون می‌شوند. تربیت نیز در همین بحث می‌گنجد. در واقع واژه تربیت از نظر اصول آموزش و پرورش تغییری است که آدمی در نفس خود و یا دیگران ایجاد می‌کند البته رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ تمام نیروها و استعدادها بشری که در نهاد خود او موجود و مکتوم است. بنا بر نظر جامعه‌شناسان تربیت، کوششی است که هر جامعه برای تامین نظارت و تسلط خود بر فرد به عمل می‌آورد. از نظر موخان هم تربیت وسیله‌ای است که هر کشور در ادوار مختلف برای رسیدن به منظوره‌های خویش و نگاهداری تمدن و فرهنگ خود بر می‌انگیزد (صدیق، ۱۳۴۲: ۱). در دوره پهلوی نظام آموزش و پرورش تغییری بنیادی کرد به طوری که



قوانین و تصویب نامه‌هایی در جهت اصلاح امور آموزشی تنظیم و ابلاغ گردید. به تدریج معایب مدارس و مکتب خانه‌های دوره قاجار در مدارس جدید دوره پهلوی برطرف گردید و با توجه به نیازهای روز جامعه تغییرات در آن اعمال گردید. در این بین خیران متعددی اموال خود را در راه علم آموزی صرف نمودند که وقف مدرسه اخوت ایرانیان یکی از نمونه‌های آن می‌باشد. پیشینه پژوهش در این حوزه چندان گسترده نیست به طور مثال سید محمود سادات بیدگلی مقاله‌ای با عنوان "تحولات آموزش فرهنگ کاشان در دوره پهلوی اول (۱۳۸۸)" به وضعیت آموزشی فرهنگ کاشان اشاره کرده است. مقاله "نقش سیاست‌های فرهنگی دوره رضاشاه در وضعیت آموزش و پرورش تبریز (۱۳۸۹)" از جلیل نائیبیان و محرم قلی زاده، به بازشناسی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی حکومت در عصر رضاشاه پرداخته شده است. زهرا حامدی در مقاله "آسیب شناسی تدوین کتب و مسائل آموزشی درس تاریخ در دوره رضاشاه (۱۳۹۲)" به رواج اندیشه شاه‌پرستی در مباحث تاریخی بررسی کرده است. عادل‌فر و پرویش در مقاله «بررسی عملکرد مدرسه ایرانیان مقیم عراق در دوره پهلوی اول» (۱۳۹۴) به دلایل و عوامل تاسیس مدارس ایرانیان مقیم عراق می‌پردازد که نتایج نشان داده این مدارس در ترویج زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی در دوره پهلوی اول ایفا نمودند. مقاله دیگر با عنوان "مدارس نوین و آموزش دختران در مناطق کرد نشین (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، (۱۳۹۷)" از محمد جواد مرادی نیا و مطلب مطلبیبه روند آموزش نوین زنان پرداختند. عباسی و همکاران در مقاله «سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول» (۱۴۰۱) به بررسی نحوه سازماندهی اداره اوقاف و عملکرد آن در امور آموزشی می‌پردازد. تاکنون مقاله مستقلی در ارتباط با بازخوانی وقفنامه مدرسه اخوت ایرانیان و وضعیت آن به نگارش درنیامده است. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند زوایای گوناگون وقف‌نامه این مدرسه را بررسی و تحلیل نماید.

## مدارس ایرانیان در عراق

بسیاری از مدارس ایرانی در عراق تاسیس شدند و دانش آموزان بسیاری را به این مدارس جذب نمودند. البته باید اذعان نمود که مدارس ایرانی عراق پس از مشروطه تأسیس شدند. مدرسه علوی توسط آخوند خراسانی و آقا میرزا مهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی برپا شد. بعد از آن ایرانیان ساکن کربلا مدرسه حسینی را تأسیس کردند. پس از گشایش این دو مدرسه ایرانیان کاظمین مدرسه اخوت ایرانیان را در کاظمین راه‌اندازی

کردند که عملکرد آن از دو مدرسه قبلی بهتر بود. مدرسه مرتضوی، آموزشگاه بعدی بود که در شهر نجف تأسیس شد. مدرسه شرافت ایرانیان در سال ۱۳۳۷ ق توسط نمایندگی سیاسی ایران در بغداد به راه افتاد. مدرسه‌ای نیز به نام احمد شاه در سفر اول او به عتبات در کربلا باز شد (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۳۰). با توجه به روند تأسیس مدارس به شیوه نوین، این امر اواخر دوره قاجار شتاب فزاینده به خود گرفت. این مدارس توسط تجار، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی تأسیس و اداره می‌شد. در دوره پهلوی اول تلاش گسترده‌ای برای دگرگون ساختن نهادهای فرهنگی کشور انجام شد. دگرگونی فرهنگی با رشد سریع نهادهای جدید و با هدف از هم پاشیدن نهادهای سنتی بوسیله دولت مواجه شد. از میان نهادهای فرهنگی بسیاری که در این دوره تأسیس گردید، مدارس ایرانیان خارج از کشور بود (عادل‌فر و پرویش، ۱۳۹۴: ۸۹). مفهوم مدارس ایرانی خارج از کشور از ضرورت ارائه آموزش به دانش‌آموزان ایرانی مقیم خارج از ایران نشأت می‌گیرد. اغلب مؤسسات آموزشی تأسیس شده در خارج ایران از برنامه درسی و استانداردهای آموزشی ایران پیروی می‌کردند. این مدارس اغلب برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی ایرانیان مقیم خارج و خانواده‌هایشان در کشورهای خارجی راه‌اندازی شد و هدف آنها ارائه یک محیط آموزشی آشنا بود که بتواند ضمن ارائه آموزش با کیفیت، ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها و زبان ایرانی را حفظ کند. دانش‌آموزانی که در مدارس ایرانی خارج از کشور تحصیل می‌کردند می‌توانستند دروسی مانند زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ فارسی را در کنار دروس دیگر مطالعه کنند. این مدارس معمولاً از دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش ایران پیروی می‌کردند. هدف آنها حفظ هویت فرهنگی دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای خارجی و همچنین آماده‌سازی آنها برای تحصیلات عالی در ایران یا سایر کشورهاست. علاوه بر این، این مدارس اغلب به عنوان مرکزی برای جامعه ایرانی خارج از کشور عمل می‌کنند و حس ارتباط و تعلق را در بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها تقویت می‌کنند. این مدارس نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ پیوند با هویت و میراث ایرانی برای دانش‌آموزان ساکن خارج از ایران دارند.

## وضعیت آموزش و پرورش در دوره رضاشاه

تحولات جدی در نظام آموزش و پرورش ایران از انقلاب مشروطه و با تصویب مواردی مربوط به آموزش و پرورش در قانون اساسی شروع شد. نظارت دولت بر تمام مدارس



دولتی و ملتی، تعیین مراحل آموزش، تاکید بر جایگاه علمی مدارس، شرایط احراز پست مدیریت مدارس و از همه مهم تر تاکید بر ممنوعیت تنبیه بدنی در مدارس، از مهم ترین تحولات دوران مشروطیت بودند؛ اما این تحولات هم نتوانست عقب ماندگی کشور را جبران کند. در واقع ضرورت آموزش و پرورش نوین پس از قاجاریه به شرح زیر بیان شده است: گرایش به ایجاد وحدت ملی و تأسیس حکومت ملی، دگرگونی نظام حکومتی، ارتباط و آشنائی با مغرب زمین و فرهنگ آن، ظهور قشرهای جدید اجتماعی، مشارکت بیشتر مردم در سرنوشت سیاسی و فرهنگی جامعه، حرکت جامعه ایرانی بسوی صنعتی شدن، ارج نهادن به میراث فرهنگی و حفظ و انتقال آن، نیازها و تقاضاهای روزافزون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ناهمخوانی آموزش و پرورش سنتی با شیوه آموزش و فرهنگ جهانی و ناتوانی آموزش سنتی در برآوردن توقعات معقول جدید افراد و جامعه (ضمیری، ۱۳۸۰: ۱۷۴). یکی از مهم ترین ابزارهای حکومت رضاشاه برای نهادینه شدن سیاست های فرهنگی، کتب درسی بود. این تغییر و تحول در محتوا و آموزش، تاثیر بسزایی در آموزش و پرورش داشت. با تأسیس دبیرستانها، کتاب هائی برای تدریس به چاپ رسید. محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) از افراد آگاهی بود که در نوشتن کتابهای درسی پیشگام بود. در نهم تیرماه ۱۳۰۸ ه.ش، در زمان وزارت قراگوزلو (اعتمادالدوله) بنا به تصویب هیئت دولت تهیه و چاپ کتابهای درسی دبستان به عهده وزارت معارف قرار گرفت و نخستین بار کتابهای چاپ وزارت در سراسر کشور توزیع گردید. با توجه به نتایج خوب انتشار کتابهای دبستانی توسط وزارت معارف در ۲۷ مهرماه ۱۳۱۷ ه.ش، با تصویب هیئت وزیران نگارش و چاپ کتابهای دبیرستانی برعهده وزارت معارف قرار گرفت و کمیته ای متشکل از دبیران و استادان جهت تألیف کتابها تشکیل گردید (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۲۱). اساس سیاست های آموزشی دولت در دوره رضاشاه بر سه خط مشی اصلی یعنی تجدد، مرکزگرایی و ملی گرایی استوار بود (ماتی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). در بین اصلاحات آموزش را موثرترین اصلاحات می دانست. ثبت نام سالانه از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش، دوازده برابر شد. دانش آموزان مشغول به تحصیل در سال ۱۳۰۴ ه.ش، در مدارس دولتی، ملی، مکتب خانه ها و مدارس خارجی، ۵۵۹۶ نفر بودند ولی در سال ۱۳۲۰ ه.ش، این تعداد به بیش از ۲۸۷۲۴۵ دانش آموز در ۲۳۳۶ مدرسه ابتدائی رسید. تعداد دانش آموزان دبیرستانی در سال ۱۳۰۴ ه.ش، ۱۴۴۸۸ نفر در ۴۷ دبیرستان بود در حالیکه سال ۱۳۲۰ ه.ش، تعداد ۲۸۱۹۴ دانش آموز در ۱۱۰ دبیرستان خصوصی و ۲۴۱ دبیرستان دولتی مشغول تحصیل بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۸۰). ساختار آموزشی در دوره پهلوی دوم به

تدریج با نیازهای روز منطبق گشت و روز به روز بر تعداد محصلان و دانش‌آموزان اضافه می‌شد. با گسترش وقف در حوزه‌های مختلف در دوره پهلوی دوم، بسیاری از واقفان سعی داشتند تا به واسطه این امر در گسترش علم و دانش نقشی ایفا کنند به همین دلیل مدارس متعددی در ایران و خارج از کشور با این هدف وقف شدند و بسیاری از محصلان توانستند در این مدارس تحصیل کنند. مدرسه اخوت ایرانیان یکی از این مدارس است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### معرفی مدرسه اخوت کاظمین

مدارس ایرانی در کشورهای دیگر با اهداف آموزشی و توسعه علم و دانش برای افراد مقیم در کشورهای دیگر ساخته شد. یکی از آن مدارس، دبستان اخوت کاظمین است که ساختمان این مدرسه که زمین آن را یکی از نیکوکاران ایرانی آقاخان فرزند علیشاه (ظاهراً از خانواده قاجار) وقف نموده، در فاصله ۵۰۰ متری جنوب صحن مطهر و در کنار میدانی قرار گرفته است. البته بخشی از زمین این مدرسه در توسعه خیابان‌های اطراف از میان رفت و باقیمانده آن از سوی دولت ایران جهت آموزش فرزندان ایرانیان ساکن در کاظمین تبدیل به دبستان شد. هدف واقف از این عمل تحصیل، تعلیم و تربیت فرزندان اتباع ایران در آن منطقه بود. البته واقف به این نکته هم اشاره نموده است که اگر به هر دلیل مدرسه و امور آموزشی منحل شد، امور را مجدد صرف امورات خیریه دیگر مانند بهداشت و درمان، دارالایتام و دیگر موارد با صلاحدید به ایرانیان اختصاص گردد. ساختمان کنونی آن عبارت است از دو طبقه که در آن کلاس‌هایی قرار دارد و یک حیاط وسیع، در سرسرای ورودی مدرسه، وقفنامه مدرسه به روی سنگ مرمر حک شده است. این مدرسه متجاوز از ۳۰ سال محل تحصیل دانش‌آموزان ایرانی بود و تا پیش از سال ۱۹۸۰ میلادی و آغاز جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران در اختیار رایزنی ایران قرار داشت. پس از این تاریخ ساختمان به همراه دیگر تأسیسات ایرانیان در عراق به دست رژیم بعث ضبط و تعطیل شد.

### متن وقفنامه دبستان اخوت کاظمین

«اینجانب امضاء کننده زیر آقاخان فرزند علیشاه تابع ایران با تمام صحت مزاج و کمال عقل و اختیار برای رضای خدا اقرار و اعتراف میکنم که ملک شش دانگی شماره ردیف ۱/۱۳۳۱ واقع در محله شیخ کاظمین خود را که تا موقع تحریر این وقفنامه متعلق



باینجانب بوده با مساحت و حدودی که دارا است و در ورقه اداره ثبت املاک ( طابو ) معلوم و معین است برای مدرسه اخوت ایران در کاظمین وقف صریح صحیح شرعی ابدی نمودم و موقوفه نامبرده برای تحصیلی و تعلیم و تربیت فرزندان اتباع ایران در کاظمین مدرسه قرار داده خواهد شد و در آن مدرسه جاهها و کلاسها تاسیس و هر چیز دیگری که مدرسه برای انجام وظایف خود احتیاج بان داشته باشد تهیه خواهد شد و چنانچه مدرسه بجهتی از جهات منحل و بکلی بسته شود آنوقت محل مدرسه نامبرده با نظر و صوابدید متولی برای یک امر خیریه دیگر ایرانی که مقتضی بدانند از قبیل بیمارستان و دارالایتام و بنگاه حمایت کودکان و غیره برای ایرانیان تخصیص داده خواهد شد و تولیت این موقوفه هم با سفیر کبیر ایران در عراق و در غیاب ایشان با جانشین ایشان خواهد بود بنابراین اینجانب که واقف هستم این عمل وقف و سلب مالکیت خود را از ملک مزبور بموجب این ورقه مسلم و قطعی مینمایم و آقای مصطفی خان نظام العلما زاده را بوسیله این ورقه بوکالت خود معین میکنم که هر گونه تشریفات و مقررات قانونی و اداری مربوط با انجام عمل وقف و ثبت آنرا در ادارات مربوطه عراق اجرا و سند آنرا از دادگاههای وابسته تحصیل نماید و بالاخره وکیل نامبرده از طرف اینجانب اختیار دارد که تمام اقدامات قانونی را برای ثبت وقف معمول و مجرا دارد و از اینرو این وقف و وکالتنامه را صادر نمودم

محل امضاء

محل مهر سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در باریس

و گواهی امضاء مرحوم اقاخان

(مهر) رونوشت برابر اصل است»

(ساکما: ۲۵۰/۹۷۵: ۲)

دولت پهلوی برای نوسازی فرهنگی اقدام به تاسیس مدارس ایرانی در عراق نمود که البته باید اشاره نمود که اداره و تدوین برنامه های آموزشی آن ها توسط دولت ایران انجام می گرفت. با توجه به متن سند، اقاخان فرزند علیشاه ملک شش دانگی خود را برای مدرسه اخوت ایران در کاظمین وقف نمود تا فرزندان اتباع ایران در کاظمین بتوانند در این سرزمین ادامه تحصیل کنند. وی معتقد بود که می بایست برای تحصیل افراد، امکانات و تجهیزات در آن مدرسه برپا شود. هدف وی گسترش تعلیم و تربیت برای افرادی بود که در

کاظمین اقامت داشتند تا از این راه بتوانند دوران تحصیل خود را تمام کنند. اما در ادامه سند واقف بیان نموده که اگر مدرسه به دلایل مختلف منحل و یا بسته شد می‌توانند از این ملک برای بیمارستان و دارالایتم و بنگاه حمایت کودکان و غیره استفاده کنند. البته این نکته هم اشاره نموده است که در درجه اول این اقدام برای ایرانیان اختصاص داده شود. با توجه به حضور ایرانیان در عراق به دلایل مختلف، این نیاز احساس می‌شد که در آنجا بتوانند تحصیل خود را ادامه دهند. آنچه برای واقف نیز اهمیت داشت، استفاده ایرانیان و فرزندان آن‌ها از این مدارس بود که بتوانند تحصیل خود را بدون دغدغه انجام دهند. تاسیس مدارس ایرانی در خارج از کشور سبب ایجاد زمینه و بستری برای نوسازی فرهنگی شد و آنچه اهمیت داشت این بود که دانش آموزان ایرانی مقیم عراق توانستند تحصیل کنند و در دوران آموزشی خود وقفه‌ای نداشته باشند.



## نتیجه‌گیری

وقف و امور خیریه در ایران جزو سنت‌های حسنه محسوب می‌شد که معمولاً افراد با اهداف خاصی اموال خود را وقف می‌نمودند. بخش از این وقف‌ها در امور آموزشی انجام می‌شد که با هدف ترویج علم و دانش و استفاده دیگران از این علوم شکل گرفت و در ادامه بسیاری از افراد به رویکرد آموزشی وقف روی آوردند و در قالب ساخت مدارس متعدد اموال خود را وقف نمودند. تداوم آموزش و تربیت برای همگان از جمله تاسیس مدارس در رشد و اعتلای علم و فرهنگ موثر بود. دوره پهلوی، آموزش و پرورش ساختاری جدیدی را بنیان نهاد و شرایط و قوانین تازه‌ای وضع گردید. این آیین‌نامه‌ها در جهت بهبود وضعیت مدارس پیش می‌رفت و حتی درباره نحوه امتحانات، کتب درسی، مدرک تحصیلی معلمان و دیگر موارد تاکید داشت. وقف مدارس و در کنار آن آموزش به افراد در دوره قبل از پهلوی مانند صفویه و قاجار هم وجود داشت. در دوره پهلوی مدارس متعددی با هدف گسترش علم و دانش شکل گرفتند و افراد نیز از آن آموزش‌ها بهره بردند. در کنار تاسیس مدارس در دوره پهلوی و استفاده همگانی عموم مردم جامعه از این مدارس، تعدادی دیگر از مدارس در خارج از کشور برای محصلان ایرانی تاسیس شد. هدف دولت پهلوی نوسازی فرهنگی و استفاده فرزندان ایرانی از تحصیل در منطقه عراق بود. البته باید اشاره نمود که اداره این مدارس توسط دولت ایران انجام می‌گرفت و در واقع این عمل، تاثیر مهمی در تربیت محصلان ایرانی مقیم در عراق داشت. دبستان اخوت در سال ۱۳۴۰ ش، برای تحصیل و تعلیم و تربیت فرزندان اتباع ایران در کاظمین مدرسه احداث شد. هدف واقف از این کار، ادامه تحصیل فرزندان ایرانی ساکن کاظمین و جلوگیری از وقفه در امور آموزشی آنان بود. البته واقف بر این نکته تاکید نموده بود که اگر این مدرسه منحل شد مجدد برای ایرانیان تبدیل به بیمارستان و دارالایتام و بنگاه حمایت کودکان و غیره شود. این امر نشان می‌دهد که سنت وقف با توجه به نیازهای جامعه اهدافش تغییر می‌کند و واقف با توجه به نیازهای روز و نبود امکانات در هر حوزه‌ای اقدام به این عمل می‌کند.

## الف) کتب و مقالات

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نی.
- حامدی، زهرا (۱۳۹۲)، آسیب شناسی تدوین کتب و مسائل آموزشی درس تاریخ در دوره رضاشاه، *مطالعات تاریخ فرهنگی (پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ)*، س ۵، ش ۱۷.
- سادات بیدگلی، سید محمود (۱۳۸۸)، *تحولات آموزش فرهنگ کاشان در دوره پهلوی اول*، پیام بهارستان، س ۱، ش ۴.
- سلطان نزاده، حسین (۱۳۶۴)، *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون*، چاپ اول، آگاه.
- شاردن، ژان (۱۳۳۸)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، ج ۵، تهران امیرکبیر.
- شهیدی، حسین (۱۳۸۳)، *سرگذشت تهران*، راه مانا، تهران.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۲)، *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*، چاپ سوم، چاپخانه سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- ضمیری، محمدعلی (۱۳۸۰)، *تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام*، شیراز: سامان.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، *روز شمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*، تهران: نشر دانشگاهی.
- عادلر، باقر، پرویش، محسن (۱۳۹۴)، «بررسی عملکرد مدارس ایرانیان مقیم عراق در دوره پهلوی اول»، *فصل نامه پژوهش‌های تاریخی*، س ۵۱، ش ۲۶.
- عباسی، مهدی و همکاران (۱۴۰۱)، «سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، س ۱۴، ش ۲.
- غزالی، مریم (۱۳۸۰)، *سیر تحول آموزش و پرورش با نگاهی ویژه به استان اصفهان (مجموعه مقالات)*، اصفهان: سازمان آموزش و پرورش اصفهان.
- مرادی نیا، محمد جواد و مطلب مطلبی (۱۳۹۷)، *مدارس نوین و آموزش دختران در مناطق کرد نشین (۱۳۰۴-۱۳۲۰)*، *مجله تاریخ ایران و اسلام الزهراء*، س ۲۹، ش ۴۱.
- نائیبیان، جلیل و محرم قلی زاده (۱۳۸۹)، نقش سیاست‌های فرهنگی دوره رضاشاه در وضعیت آموزش و پرورش تبریز، *جستارهای تاریخی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)*، س ۱، ش ۲.

## ب) سازمان اسناد و کتابخانه ملی

• (ساکما: ۲۵۰/۹۷۵)



# Analytical study of the reasons for the expansion of women's moqfat in the era of Shah Soleyman Safavid

Sayyed Mostafa tabatabaey\*

Ali akbar abasi\*\*

## Abstract

The Safavid government as a religious Shia government that was able to introduce Twelver Shia religion as the official religion of the government in Iran; It has always been of interest to researchers of the history of Religions and denominations. Paying attention to religion with all its dimensions is one of the important features of this government in all its eras. The more the king could keep this balance with the effects of governance, the more powerful his government was, and the more this balance was disturbed, the foundation of the government was shaken. The reign of Shah Soleyman Safavid is considered the beginning of the process of the downfall of the Safavid government; But from a religious point of view, in this era, we see the growth of women's moqfat, as one of the cultural activists of the society. According to the documents of Safavid moqfat, more than 30% of women's moqfat of the Safavid era are related to this period. The main question of this research is that what was the reason for the increase in women's moqfat during the reign of Shah Soleyman Safavid? The greater influence of harem women in political and social activities, as well as the fear of losing property, are among the important factors that have been obtained in the answer to this question by analyzing the content of women's waqf-nameh of this era.

**Key words:** Waqf, Safavid, Shah Soleyman, women, Waqf-nameh.

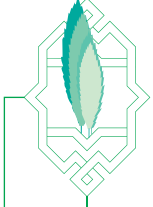
---

\*. PhD student of Islamic history of Isfahan Universitymd.ir

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*\* . Member of the Faculty of Iranian Studies and History of Isfahan University

Aa\_abasi\_z@yahoo.com



## بحث تحليلي لأسباب توسع أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي

سيد مصطفى طباطبائي\*

على اكبر عباسي\*\*

### الخلاصة

تعتبر الحكومة الصفوية حكومة شيعية دينية تمكنت من إدخال المذهب الشيعي الإثني عشري كدين رسمي للحكومة في إيران حيث كانت دائماً محل اهتمام الباحثين في تاريخ الأديان و المذاهب

يعتبر الاهتمام بالمذهب بكل أبعاده من السمات المهمة لهذه الحكومة في جميع عصورها؛ كلما استطاع الملك أن يضع هذا المعيار تماشياً مع تأثيرات الحكم لكي

تكون حكومته أقوى، وكلما اختل هذا التوازن، كلما اهتزت أسس الحكومة يعتبر عهد الشاه سليمان الصفوي بداية عملية سقوط الحكومة الصفوية و لكن من الناحية الدينية، خلال هذه الفترة، نرى نمو الأوقاف النسائية، باعتبارها واحدة من الناشطين الثقافيين في المجتمع . و بحسب وثائق الأوقاف الصفوية فإن أكثر من ٣٠٪ من أوقاف النساء الصفويات تعود لهذه الفترة

السؤال الرئيسي لهذا البحث هو ما سبب زيادة أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي؟ إن التأثير الأكبر حرم السلطان في الأنشطة السياسية و الاجتماعية و كذلك الخوف من فقدان الممتلكات من العوامل المهمة التي تم الحصول عليها في الإجابة على هذا السؤال من خلال تحليل محتوى أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي

**كلمات مفتاحية:** الوقف، الصفوي، الشاه سليمان، النساء، رسالة الوقف

\*. طالب دكتوراه في التاريخ الإسلامي بجامعة أصفهان

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*\* عضو كلية الدراسات والتاريخ الإيراني بجامعة أصفهان

Aa\_abasi\_z@yahoo.com

## بررسی تحلیلی علل گسترش موقوفات زنان در عصر شاه سلیمان صفوی

مقاله پژوهشی



۷۳

سید مصطفی طباطبایی\*

علی اکبر عباسی\*\*

### چکیده

حکومت صفوی به عنوان حکومت شیعی مذهب که توانست مذهب شیعه اثنی-عشری را به عنوان مذهب رسمی حکومت در ایران مطرح نماید همواره مورد توجه پژوهشگران تاریخ ادیان و مذاهب مورد توجه بوده است

توجه به مذهب با همه ابعاد آن یکی از شاخصه‌های مهم این حکومت در تمامی دوران آن به‌شمار می‌رود؛ هرچه پادشاه توانست این توازن را با جلوه‌های حکمرانی متعادل نگه دارد، حکومت او مقتدر تر بود و هرچه این تعادل به هم خورد اساس حکومت متزلزل گردید

دوران حکومت شاه سلیمان صفوی، آغازی بر فرایند سقوط حکومت صفویان به‌شمار می‌رود ولی از دیدگاه مذهبی در این دوران شاهد رشد موقوفات زنان، به عنوان یکی از کنشگران فرهنگی جامعه هستیم. به گونه‌ای که با توجه به اسناد موقوفات صفویه، بیش از ۳۰ درصد موقوفات زنان عهد صفوی مربوط به همین دوره می‌باشد

سؤال اصلی این پژوهش آن است که علت ازدیاد موقوفات زنان در دوره پادشاهی شاه سلیمان صفوی چه بوده‌است؟ تأثیرگذاری بیشتر زنان حرمسرا در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین ترس از دست دادن اموال از جمله عوامل مهمی است که در پاسخ به این سؤال با روش تحلیل محتوای وقف‌نامه زنان این دوران به‌دست آمده است

**کلید واژه:** وقف، صفویه، شاه سلیمان، زنان، وقف‌نامه

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*. عضو هیئت علمی گروه ایران‌شناسی و تاریخ دانشگاه اصفهان

Aa\_abasi\_z@yahoo.com



## مقدمه

در میان دوره‌های مختلف تاریخ، دوره حکومت صفویان بسیار حائز اهمیت است. این سلسله که از حدود ۹۰۵-۱۱۳۶ ه.ق به طور مستمر و پس از تسلط افغان‌ها بر ایران تا سال ۱۱۴۸ ه.ق به طور اسمی بر این کشور حکومت راندند، توانستند به طور رسمی یک حکومت شیعی در ایران ایجاد نمایند و به تدریج دولت ملی را وحدت و استقلال بخشند. در طی حکومت این خاندان، به دلایل چندی از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد حکومتی دین‌مدار، سنت وقف گسترش بسیاری یافت. این گسترش به حدی بود که توانست بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیراتی عمیق بگذارد به نحوی که می‌توان گفت ساختار نهاد وقف در دوره صفوی یکی از مهمترین دوره‌های شکوفایی سنت وقف در تاریخ ایران، عصر صفویه است. به طوری که بسیاری از اقشار اجتماع از پادشاهان گرفته تا افراد عادی به این امر خیرخواهانه اقدام می‌نمودند. گرچه نهاد وقف ریشه در سده‌های پیشین داشت و با کارکردهای ویژه خویش، پیش از صفویه شکل گرفته بود و حتی برخوردار از صفویان از اقتدار مالی و سیاسی پیش از رسیدن به قدرت به واسطه موقوفات بی‌شمار خانقاه اردبیل بود؛ لیکن همین موقوفات نقش چشمگیری در کسب نفوذ سیاسی و مذهبی رهبران خانقاه اردبیل داشته است و پس از گرفتن قدرت نیز پادشاهان صفوی موقوفاتی بر این خاندان افزودند و خود از واقفان عمده شدند. باید گفت که ساختار اوقاف در زمان صفویه رنگ شیعی به خود گرفت و این نهاد مطابق و هماهنگ با سیاست‌های خاص مذهبی و عقیدتی آن‌ها اداره می‌شد در نتیجه ساختار و کارکرد نهاد تا اندازه‌ای زیاد با ادوار پیش از آن تفاوت داشت (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۱۸) به تعبیری دیگر، به قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج به نقش‌های اجتماعی زنان این عصر اثر گذاشت. این تأثیرات گاه باعث بزرگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد. زنان در خانوار شهری، به عنوان عضو مهم انجام وظیفه می‌کردند هرچند مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه ارتباط و تماس با بیرون از خانه را نداشتند؛ به جز در موارد استثنایی که اجازه داشتند از خانه خارج شوند (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۴). با این حال، نقش زنان در امور خیریه و فعالیت‌های اجتماعی در این دوره مشخص بوده است و با وجود محدودیت‌ها، رنج‌ها و مشکلات اجتماعی که در پیش رویشان بود، در

امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت فعالی داشتند. به گفته فیگوئروا، سفیر اسپانیایی دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای نیک بیشتر از مردان جای گرفتند. بسیاری از کاروان‌سراها و بناهای عمومی از خیریه زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته شد. این موارد را می‌توان در اسناد وقف زنان طبقات بالای اجتماعی مشاهده کرد (Heidari, 2022). زنان ثروتمند به انجام امور خیریه و ایجاد بناهای عام‌المنفعه اقدام می‌کردند و از خود مدرسه، مسجد، پل، کاروان‌سرا و... به جای گذاشته‌اند که با اختصاص وقفیات به آن‌ها باعث تداوم کار و رونق این اماکن پس از مرگ خود می‌شده‌اند. این اقدامات به‌خصوص در اصفهان، قم، قزوین، اردبیل، ورامین و... حتی خارج از ایران در اماکن مقدسه صورت گرفته است. به‌طورکلی این عصر دوره رونق موقوفات در اشکال گوناگون است و منابع سرشار از این موقوفات در اقتصاد این دوره تأثیر بسزایی داشته و موقوفات مختلف در شهرهای ذکرشده علاوه بر اینکه در رونق ساختار آموزشی علمی و دینی تأثیرگذار بود. درآمد حاصل از آن بیشترین تأثیر را در بخش اقتصادی داخلی ایفا می‌کرده است: «در مسجد جامع قدیم اصفهان، کتاب‌های حکیم پسند و حواشی خارج ایوان را نواب عالیه مهد علیا سلطان آغا، دختر نیک‌اختر شاه‌تھماسب بزرگ زینت داده و از کتاب‌هایش معلوم است» (آصف، ۱۳۷۵: ۱۶۹). زنان این طبقه نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری، از طریق اوقاف بر عهده داشتند (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۲)، بدین معنی که تلاش عمده زنان در طبقه بالای جامعه، مشارکت در امور اجتماعی از طریق موقوفات بود که در قالب عمران و آبادانی قابل بررسی است

از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً در دربار برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. مطابق تحلیل‌ها و مطالعات، این موقوفات برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش صورت می‌گرفت، به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به همت زنان مرفه این عصر دایر شده بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵)

به لحاظ فراوانی موقوفات زنان در دوران صفویه، دوران حکومتی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ه.ق) سرآمد است. در این دوره شش وقف‌نامه از زنان درباری موجود است که در اسناد تاریخی بیان شده است. اینکه چرا در دوران شاه سلیمان صفوی، با آنکه از دوران اقتدار صفویان به‌شمار نمی‌رود، موقوفات زنان رو به فزونی دارد سؤال اصلی این پژوهش



است. مصارف این موقوفات چه بوده و تولیت آنها در اختیار چه کسی بوده است نیز از سؤالاتی است که در راستای پاسخ و تحلیل سؤال اول ناگزیر به پاسخ‌گویی آن خواهیم بود

## ۱. پیشینه پژوهش

طباطبایی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران: مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی» در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها تم‌های «شرعی سازی سیاست»، «ماندگاری در اموال»، «آینده نگری از تجزیه اموال»، «ساماندهی حفاظت ملکی»، «نمایش شیعیگری»، «عقبی اندیشی»، «کنش فرادستی در رفع نیازهای دیگری»، «واگشتی به ساختار اجتماع» به دست آمده است. بخش غالب محتوای وقف نامه‌ها حاکی از برنامه‌ریزی و ساماندهی برای حفاظت از اموال و دارایی‌های وقفی در نسل و نزدیکان خود است. همچنین زنان واقف این عصر، هر چند نقش فرودستی خود را با مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه و خیر به کنشی فرادستانه تثبیت کردند؛ ولی برای زنان پس از خود، سهمی از کنشگری و حضور اجتماعی قائل نشدند از این رو، حق تولیت و سرپرستی و نظارت را با اولویت فرزند پسر در نسل خود حفظ کردند

رحیمی‌فر و عبدالقهار (۱۳۹۲) در مقاله «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف نامه‌ها» به این نتیجه رسیده است که وقف طبقه حاکم به‌طورکلی و شاهان به‌طور خاص، به یکی از بزرگ‌ترین مراجع مذهبی مسلمانان (آستان قدس رضوی) و حمایت آن‌ها از امور وقف به یکی از مهم‌ترین مراکز خانقاهی (آستانه شیخ صفی) ضمن مشارکت و همراهی با این مراکز، هیئت امور مذهبی و صوفی‌گری و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن توسط این طبقه را در قالب یکی از سنت‌های مهم اسلامی یعنی وقف به دنبال داشته است

منتظر القائم و شعبانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفوی» به این نتیجه رسیده است که بر اساس منابع دست‌اول تاریخ و سفرنامه سیاحان، حضور گسترده زنان را در عرصه‌های فرهنگی نشان می‌دهد زنان که اغلب از خانواده‌های روحانیون، طبقات بالا و گاهی خانواده‌های متوسط هستند در زمینه‌های علمی، هنری (نقاشی، خطاطی و شعر) و مدرسه‌سازی در قالب وقف فعالیت عمده‌ای داشتند. این نتایج نشان‌دهنده نقش مؤثر زنان در فرهنگ‌سازی و تداوم آن بوده است

ریاحی (۱۳۸۹) در مقاله «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی» نقش مؤثر زنان چه آنان که منسوب به دولخانه بودند و چه منتسب به علما و اندیشمندان یا عموم اصناف و جامعه را در شکل گیری، ایجاد و استمرار مراکز عام المنفعه به ویژه نهادهای علمی و آموزشی بررسی کرده است

عفت خوشنودی (۱۳۸۹)، نیز در کتابی با عنوان، «زنان واقف آثار تاریخی اصفهان»، به معرفی ابنیه‌هایی پرداخته که بانوان عصر صفوی وقف کرده‌اند. این اثر اگرچه در نوع خود اثری ارزشمند و قابل استناد است ولی از آنجا که به زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی اشاره نکرده با مقاله حاضر تفاوت دارد

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف» به تحلیل وقفنامه مادر شاه سلیمان پرداخته که برای نجات جان فرزند بیمار خود و ادای نذر، تمام اموال خود را بر عتبات عالیات وقف نموده است. خسروی (۱۳۷۴) در مقاله «موقوفات زنان ایران» ضمن بررسی نوع دوستی، عاقبت اندیشی و استقلال مالی بانوان ایرانی، مطالعه تطبیقی از استقلال مالی زن مسلمان ایرانی با زنان اروپایی را تا اوایل قرن ۲۰ تبیین کرده است. شاطری و آرزومندان (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، دریمان، سربیشه)» به این نتیجه رسیده است که در دوره قاجاریه بیشترین کاربری وقف اموال بر تعزیه سیدالشهدا بوده است البته روند رو به کاهش آن از دوره صفویه تا عصر حاضر مشهود بود

حیدریان (۱۳۸۸) در مقاله «زنان واقف در عصر صفوی» به این نتیجه رسیده است که یکی از راه‌های ظهور حیات اجتماعی زنان، مشارکت عمیق آن‌ها در امور خیریه و عالم المنفعه است، و حضور و فعالیت آن‌ها در این عرصه اجتماعی و مذهبی، با وجود محدودیت‌های شدید اجتماعی آن دوران، بسیار قابل توجه است. گاه این محدودیت‌ها چنان است که قانون نیز آن‌ها را از حضور در جامعه و بیرون آمدن از خانه و حضور در جامعه منع می‌کند. ولی با این وجود زنان این عصر، به امور عام المنفعه و خیریه، از جمله اوقاف علاقه خاصی نشان می‌دهند و هدف اکثریت آن‌ها از این اقدام، ارضای روحیه دینی و کمک به دیگران است، و گاه به دنبال کسب آرامش درونی در دنیا و آخرت یا حاکمیت وجدان اخلاقی به این عمل دست می‌زدند، ولی نباید منکر شد که گاه اتفاق می‌افتاد که بعضی زنان با اهداف سیاسی یا اقتصادی دیگری مثل ترس از پرداخت



مالیات یا حفظ دارایی‌هایشان در میان خانواده، به این عمل اقدام می‌کردند. همه این مقالات و تألیفات بیشتر به صورت کلی به نقش زنان در گسترش فرهنگ و تمدن و همچنین موقوفات ایشان در دوره صفوی اشاره دارد ولی تاکنون مقاله‌ای به صورت خاص به تحلیل موقوفات زبیده بیگم اشاره نکرده است

## ۲. موقوفات زنان در دوران صفوی

در جهان بینی اسلامی، سعادت انسان زمانی کامل می‌شود که در هر دو جهان -یعنی زندگی دنیوی و آخرت ابدی- سعادت حاصل شود. بر همین اساس جهان بینی اسلامی چشم انداز و ساختار انگیزشی بزرگ‌تری برای اعمال صالح در چارچوب زندگی دوجوانی فراهم می‌کند. این پتانسیل منجر به تمایل نسبتاً بالاتر برای اقدامات اجتماعی، مشارکت مثبت در اهداف اجتماعی، اهدای خیریه بیشتر و نمایش رفتار فداکارانه‌تر در روابط اجتماعی و در بازار است. از این رو، در چهارچوب اسلامی، انگیزه‌های رفتار همدلانه اجتماعی از یک جهان بینی متمایز و مفهوم جامع مسئولیت اجتماعی و رفتار اخلاقی ناشی می‌شود. این‌ها در آگاهی ایمان ریشه دارند که در نهایت بر ترجیحات و انتخاب‌های اقتصادی و غیراقتصادی تأثیر می‌گذارد و تجلی این‌گونه رفتار را در دوران صفوی در موقوفات گسترده می‌توان جستجو کرد

این بدین معنی است که در ادبیات نظری اقتصاد اسلامی (Sadeq,1987) مفهوم اسلامی رفاه انسان جامع‌تر از رفاه اقتصادی به تنهایی است. در همین راستا (Chapra,1999) معتقد است که توسعه اقتصادی بخشی از رفاه انسان است. توسعه اقتصادی به تنهایی برای تحقق رفاه همه جانبه انسان کافی نیست. پس از افزایش نابرابری درآمدی که به دنبال رشد اقتصادی در دوران پس از جنگ جهانی دوم و چالش‌های اکولوژیکی و زیست‌محیطی متعاقب آن در نتیجه مدل رشد سرمایه‌داری پدیدار شد، مفهوم غربی توسعه نیز جای خود را به ابعاد گسترده‌تری از انسان داده است. توسعه و شناخت نقش نهادها (Mirak-hor, and Askari,2010)

دوران صفوی از دورانهایی است که در آن وقف گسترش بسیار یافت، به ویژه که خاندان صفوی و به تبع آن، دولتمردان و بزرگان دین و دولت خود از پیشگامان این راه بودند. در این دوره مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و کاروانسراهای بسیاری ساخته و برای هر یک موقوفات بسیاری قرار داده شد. همچنین افراد بسیاری املاک و مستغلات خود را برای

مراسم عزاداری و احیای شبهای متبرک و نیز بر مزارات شریفه و اماکن مقدسه و حتی بر مسافران عتبات وقف نمودند. در طی حکومت این خاندان، به دلایل چندی از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد حکومتی دین‌مدار، سنت وقف گسترش بسیاری یافت. این گسترش به حدی بود که توانست بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیراتی عمیق بگذارد به نحوی که می‌توان گفت ساختار نهاد وقف در دوره صفوی یکی از مهمترین دوره‌های شکوفایی سنت وقف در تاریخ ایران، عصر صفویه است. به طوری که بسیاری از اقشار اجتماع از پادشاهان گرفته تا افراد عادی به این امر خیرخواهانه اقدام می‌نمودند. (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۱۸). به تعبیری دیگر، به قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج به نقش‌های اجتماعی زنان این عصر اثر گذاشت. این تأثیرات گاه باعث بزرگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد. زنان در خانوار شهری، به عنوان عضو مهم انجام وظیفه می‌کردند هرچند مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه ارتباط و تماس با بیرون از خانه را نداشتند؛ به جز در موارد استثنایی که اجازه داشتند از خانه خارج شوند (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۴). با این حال، نقش زنان در امور خیریه و فعالیت‌های اجتماعی در این دوره مشخص بوده است و با وجود محدودیت‌ها، رنج‌ها و مشکلات اجتماعی که در پیش رویشان بود، در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت فعالی داشتند. به گفته فیگوئروا، سفیر اسپانیایی دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای نیک بیشتر از مردان جای گرفتند. بسیاری از کاروانسراها و بناهای عمومی از خیریه زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته شد. این موارد را می‌توان در اسناد وقف زنان طبقات بالای اجتماعی مشاهده کرد (Heidari, 2022). زنان این طبقه نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری، از طریق اوقاف بر عهده داشتند (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۲)؛ بدین معنی که تلاش عمده زنان در طبقه بالای جامعه، مشارکت در امور اجتماعی از طریق موقوفات بود که در قالب عمران و آبادانی قابل بررسی است

از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً در دربار برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. مطابق تحلیل‌ها و مطالعات، این موقوفات برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش صورت می‌گرفت، به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به همت زنان مرفه این عصر دایر شده



بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵). نظر به اسناد باقی مانده از این دوره، از ۵۹ موقوفه اداره اوقاف اصفهان، ۱۷ موقوفه مختص زنان است. یعنی حدود یک سوم موقوفات مربوط به زنان صفوی است و جالبترین قسمت آن مربوط به مدارس است که در این دوره ساخت بناهای وقفی توسعه یافته است (Heidari, 2022). از این ۱۷ مورد موقوفات زنان، ۶ مورد آن در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی اتفاق افتاده است. این فراوانی که بیش از ۳۰ درصد از موقوفات زنان را شامل می شود در نوع خود حائز اهمیت است. در واقع دروان سی ساله حکومت شاه سلیمان صفوی از نظر موقوفات زنان، سرآمد دوران صفوی به شمار می رود. دستیابی به چرایی گسترش موقوفات زنان در این دوره و همچنین مصارف آن از مواردی است که بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی اجتماعی ایران عصر شاه سلیمان امکان پذیر نخواهد بود.

### ۳. دوران حکومت شاه سلیمان صفوی

حکومت صفوی اگر چه در آغاز بر اساس مذهب استوار شده بود، ولی اندک اندک، هم چنان که در شرق مرسوم بود، به صورت سلطنت استبدادی در آمد. اصولاً اختیارات در دست شاه بود ولی اگر او طبعی ضعیف داشت یا به امور کشور علاقه ای نشان نمی داد، کاملاً به دلخواه وزرا و مشاوران و دست پروردگان خود رفتار می کرد. اما پادشاه خواه مقتدر و خواه ضعیف النفس بود. در سلطنت مطلقه ای که در حکومت صفوی در ایران شکل گرفت، اخلاق پادشاه طبعاً کمال اهمیت را داشت. اگر مثل شاه عباس کبیر مقتدر و با اراده بود، کشور در مواقع بحرانی با خطری روبه رو نمی شد، ولی اگر ضعیف النفس و بی کفایت بود مسلماً نتیجه معکوس می گردید به گونه ای که در این سیستم حکومتی هرچه پادشاه کم اراده تر باشه، کشمکش میان دیگر درباریان برای تأمین منافع خود بیشتر است تا جایی که گاهی اختیارات وزیر نیز توسط متصدیان جزءتر محدود می شد. (لانکهارت، ۱۳۸۳: ۱۰) پس از مرگ شاه عباس دوم، امرای شاه پس از فوت او در دامغان جلسه کردند و چون شاه خود در تعیین جانشین خویش اظهارنظری نکرده بود تصمیم گرفتند که حمزه میرزای هشت ساله را به سلطنت بردارند و برای اینکه خیال ایشان پیشرفت کند شهرت دادند که صفی میرزا را شاه کور کرده و به همین جهت نمی تواند پادشاهی قیام نماید. خواجه باشی حرم شاه یعنی آغا مبارک با این طرح مخالفت کرد و گفت که صفی میرزا صحیح و سالم است و ایشان را تهدید نمود که اگر از خیال خود دست بردارند او به

قتل حمزه میرزا اقدام خواهد نمود در نتیجه این پیش آمد امرا چاره‌ای جز آن ندیدند که صفی میرزای بیست ساله را به سلطنت بردارند و او را شاه صفی دوم و بعدها شاه سلیمان خواندند. صفی میرزا که عمر خود را در حرمسرا با زنان و خواجه‌سرایان گذرانده و بدون تربیت و تحصیل باخلاق زنانه بار آمده بود یکی از بدترین سلاطین صفوی است چه هم بسیار ضعیف النفس و عیاش بود و هم مصاحبت با زنان و خواجه‌سرایان و استشاره ایشان را بر اداره امور ملکی و شنیدن حرف رجال کارآگاه ترجیح می‌نهاد (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۶۹۹)

به نوشته راجرسیوری «با به سلطنت رسیدن صفی میرزا با نام شاه سلیمان، سلسله صفویه و کشور وارد دوره‌ای از زوال سریع شد. رفتار ظاهری پادشاه جدید دلنشین بود... لکن این ظاهر خندان طبیعتی ضعیف و متلون را پنهان می‌کرد. در زمان سلطنت وی مقام شاه به عنوان رئیس کل ساختار اداری کشور و به عنوان فرمانروای بی چون و چرای و مطلق با اختیارات عالی در امور دنیوی و معنوی، به طرز بسیار موزیانه‌تر و ویرانگرانه‌تر از غصب آشکار و بی پرده حقوق سلطنت در زمان شاه پهماسب، تضعیف شد». (سیوری، ۱۳۸۴: ۲۳۱). هر چند در این دوره نقش شاه به عنوان شخص اول حکومت به شدت کم رنگ شد و مقام صدر و وزیر رو به فزونی گرفت ولی از خوشبختی او وزارتش نصیب شیخ علیخان زنگنه شد که در عهد پدرش حکومت کرمانشاه را داشت و در آخر کار امیر آخور سلطنتی بود. شاه سلیمان که از بی‌اعتنائی‌های وزیر اعظم پدر خویش شکایت داشت او را در سال ۱۰۷۹ به‌دست شیخ علیخان کشت و قاتل را بجای مقتول بوزارت اعظم برداشت و شیخ علیخان تا سال ۱۱۰۱ به این سمیت برقرار بود و او باکفایت و مردمداری و عدالت و بخشندگی مملکت را اداره می‌کرد و شاه که غالباً گرفتار دردپا و نفرس بود و در حرمسرا بسر می‌برد بعلت بیداری و کاردانی شیخ علیخان از بابت سلطنت نگرانی زیادی نداشت. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۰۰) پس از وزیر که در این دوران قدرت زیادی یافت، زنان حرم نیز توانستند در ارکان حکومت قدرت‌نمایی کنند چرا که پشاهی همچون شاه سلیمان که در حرمسرا پرورش یافته بود نسبت به امور خارج از حرم در جهل مامل به سر می‌برد و وزرا و حکمرانان مجبور بودند خواسته‌های زنان حرم را نیز در حکومت در نظر داشته‌باشند و الا به خشم ایشان دچار می‌شدند (سیوری، ۱۳۸۴: ۲۳۸). از بزرگترین خوشبختی‌های شاه سلیمان اینکه در عصر او همسایگان خارجی ایران هیچکدام قدرت و قوتی که ایشان را بقصد تعرض بایران بیندازد نداشتند و همه یا گرفتار ضعف بودند و یا



سرگرم باموری دیگر بهمین جهت در تمام مدّت بالنّسبه طویل سلطنت شاه سلیمان واقعه خارجی مهمی برای ایران روی نداد و دوره پادشاهی او بالنّسبه بفرأغت گذشت. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۰۰)

#### ۴. واقفان زن در دوران شاه سلیمان صفوی

همانطور که بیان شد در دوران شاه سلیمان صفوی، به دلیل این که زنان حرم آزادی بیشتری پیدا کرده بودند و از طرفی می توانستند در امور مملکت نیز صاحب رای باشند، فعالیت های سیاسی اجتماعی آنها بیشتر شد به گونه ای که نه تنها در عزل و نصب مناصب و افراد دخالت داشتند بلکه سعی داشتند با تکیه بر فعالیت های دینی اجتماعی، خود را از حصار حرم خارج نمایند

۱-۴. اولین وقفنامه زنان در دوران شاه سلیمان کمه در اسناد این دوره بیان شده، وقفنامه ای مربوط به مادر شاه سلیمان صفوی. متأسفانه در این وقف نامه صریحا به اسم واقف اشاره نشده ولی از آنجا که بیان شده «والده شاه سلیمان الحسینی الموسوی»، واقفه مادر شاه سلیمان صفوی است که در سال ۱۰۷۹هـ.ق در پی نذری برای شفای فرزندش (شاه سلیمان) از بیماری مهلکی که بدان دچار شده بود، به گفته خودش «چند قطعه لعل و زمرد و سایر اشیاء نامعلومه که در تحت تصرف و تملک شرعی» داشت را فروخته و از بهای آن املاکی خریداری کرده و بر «عتبات عالیات» وقف نمود. تولیت این موقوفه در زمان حیات واقف با ایشان و پس از آن بر عهده عالم زمان حاجی محمد زمانا و بعد از آن فرزندان ذکور ایشان واگذار شده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)

۲-۴. وقفنامه دیگر مربوط به سال ۱۰۸۳هـ.ق است که «ده ده خاتون، املاک خود را وقف کرده و تولیت آن را دختر خود به نام «رضیه بانو خانم»، و در صورت انقراض اولاد او، چه دختر و چه پسر، قرار داده است (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر دوم). ظاهرا «ده ده خاتون» اشتباه ثبت شده و اصل آن «ده ده خاتون» با فتح «دال» است. کلمه «ده ده» به معنای کنیزی است که فرزندان را بزرگ میکنند. زنی که تربیت طفلی کند. مقابل الله یعنی مردی که بدینکار مأمور باشد. (دهخدا: ذیل ده ده) در متن وقف نامه اشاره شده که این بانو، ده ده «نواب کامیاب جنت بارگاه» است از القابی که در وقف نامه برای شخص واقفه و همچنین برای دخترش به کار رفته است، به علاوه شاهدان برجسته ای که وقف نامه او را گواهی کرده اند، می توان حدس زد که این خانم علاوه بر آنکه سمت تربیت شاه ماضی

را بر عهده داشته، با یکی از شاهزادگان یا دولت مردان برجسته ازدواج کرده بوده است. (احمدی، ۱۳۷۶: ۲۴)

نکته قابل توجه این وقفنامه که با سایر وقفنامه‌ها تا حدی متفاوت است این است که در انتهای وقفنامه تعدادی از بانوان (با ذکر اسامی) و همچنین تعدادی از آقایان با عنوان خواجه، بر این وقفنامه شهادت داده‌اند. اسامی این خانم‌ها زیر عنوان مسلمات به ترتیب عبارت است از: بلقیس خانم بنت عبدالله، شاه‌زینب خانم بنت ابراهیم آقا، شاه‌خانم بنت رمضان علی، نشاط انگیز بنت عبدالله، فاطمه خانم بنت کلبعلی و خانم آغا بنت آقاملک و خواجه‌ها عبارتند از: خواجه مطلوب منجما، حضرت میرزا سراج، خواجه مسیح ولد عبدالله، خواجه یونس ولد عبدالله

۳-۴. وقف نامه دیگر متعلق به بانویی به نام «مرواریدخانم» است که در سال ۱۰۹۰هـ.ق. املاک و مستغلاتی را بر اماکن متبرکه وقف عام نمود، تا در آنجا صرف روشنایی و بوی خوش شود. تولیت این موقوفه به عهده عالم زمانه گذاشته شده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر پنجم)

۴-۴. موقوفه دیگر مربوط به دختر شاه سلیمان صفوی به نام «زبیده بیگم» می‌باشد. واقفه قراء، مزارع و باغات و غیره اصفهان و قم را در تاریخ ۱۰۹۲ وقف کرده و تولیت را پس از خود بر فرزندان ذکورش قرار داده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)

۵-۴. وقف نامه دیگر از خانمی به نام «بدر جهان خانم» دختر میرزا محمد مسعود، وزیر سابق مازندران می‌باشد. این وقف نامه در سال ۱۱۰۱هـ.ق تنظیم شده و مورد آن هم خاص و هم عام است. واقفه درآمد و حاصل موقوفه خود را پس از کسر مخارج تعمیر و سایر مایحتاج موقوفه، قسمتی را بر فرزندان خود «میرزا محمد» و «شرف جهان خانم» و پس از آنها بر تمامی فرزندان ذکور و اناث آنان، بجز کسانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، و قسمتی دیگر را بر مدرسه جده کوچک، وقف کرده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر اول)

۶-۴. زینب بیگم، دختر امیر محمد اردستانی مشهور به شیخ الاسلام، واقفه دیگری است که در سال ۱۱۰۳هـ.ق املاک و مستغلاتی را وقف عام نموده که درآمد آنها پس از کسر مایحتاج و مخارج موقوفه و نیز کسر حق التولیه به «ارباب استحقاق از قرار نفری مبلغ دو تومان» تقسیم شود. واقفه تولیت را به همسر خود میر محمد مهدی طباطبایی (حکیم الملک) واگذار کرده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هشتم)



## ۵. تحلیل محتوای موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان صفوی

شاردن، سیاح فرانسوی در مورد موقعیت و جایگاه زنان در ایران می‌نویسد: « محدودیت زندگی زنان ایران از تنگناهای زندگی زنان همه کشورهای دیگر بیشتر است، و به جرأت میتوان باور کرد که حرمسرای امپراتور ترك و مغول کبیر نسبت به حرمسرای پادشاه ایران به مثابه جایگاه عمومی است، و من بر این اعتقادم که علت اصلی این محدودیتها یکی تجملات زیاد و خیره کننده‌ایست که حاصل تأثیرات اقلیمی منطقه ایران میباشد، و دیگر تعالیم و قوانین مذهبی است که مرد متواند از هر زن به شرط این که از آن دیگران نباشد و تحت شرایطی دیگر بهره‌مند گردد.» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۳۱۰)

باید توجه داشت که هر چند زنان واقف، نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عصر خود آگاه بودند و با وجود آنکه همه زنان از این جایگاه برخوردار نبودند، اما با وقف اموال و دارایی خود نسبت به اهمیت نقش و جایگاه زنان عکس‌العمل نشان می‌دادند. آنچه نیازمند دقت است اینکه، تنیده شدن قدرت، سیاست و دین، در میان زنان واقف نیز برگرفته از جریان‌های حاکم بر روح جامعه است از این رو، آنان نیز در این فرایند، در وقفنامه‌های خود به نوعی تلاش داشتند تا با واگذاری حق تولیت در مواردی برای مثلاً قرار دادن سهم تولیت برای اعلم و اصل سادات مقیم دارالسلطنه اصفهان در صورت مفقود بودن خاندان واقفه، اعطای حق تولیت به علما و فضلالی اثنی عشری در صورت انقراض متولیان تعیین شده، اعطای حق تولیت به علما و فضلالی اثنی عشری با قید قرعه در صورت تعدد، از شرع به عنوان ابزاری برای حفظ اموال و دارایی‌های خود بهره ببرند. (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸)

مهم‌ترین اتفاقی که باعث شد زنان در دوران شاه سلیمان صفوی بیشتر به امر وقف توجه نمایند، آزادی عمل و اختیار ایشان در این دوره است. در این دوره شاه سلیمان چون از یک طرف تربیت یافته زنان حرمسرا بود و تا قبل از پادشاهی در بین ایشان بود و از طرفی بعد از پادشاهی نیز نتوانست این علاقه خود را سرکوب کند و همچنان تمایل به بودن در حرمسرا داشت، آزادی عمل زنان و تأثیرگذاری ایشان بر امور مملکت و مسائل سیاسی اجتماعی بیشتر شد به همین دلیل پیش از آن که اموال ایشان توسط حکومت و وزرا تصاحب شود اقدام به وقف این املاک می‌کردند تا از یک طرف دعوی مذهبی بودن و فعالیت‌های خیرخواهانه داشته باشند و در امور سیاسی اجتماعی دخالت کنند و از طرفی اموال خویش را از تصرف مصون دارند



ردیف	موقوفه	واقفه	تاریخ وقف	تولیت	مصارف
۱	موقوفه عتبات عالیات: مزارع دارامارای علیا و سفلا و غیره	والده شاه سلیمان الحسینی الموسوی (بهادر خان)	۱۰۷۹ ق.ه	خود و پس از خود بندگان صالح، نظارتت حاجی محمد زمانا	یک عشر حق تولیه، نیم عشر حق النظاره، هشت عشر و نیم صرف روشنایی روضات مقدسه و غیره
۲	خان بزرگ و دکاکین نیماورد	ده ده خاتون	۱۰۸۳ ق.ه	فرزندان	یک هفتم به طلبه‌های علوم دینی و بقیه به صلاح دید تولیت
۳	خانه‌های قرب محله سنجی	مرورید خانم بنت آقا حسین	۱۰۹۰ ق.ه	عالم عصر	یک عشر حق تولیت، بقیه صرف خوش بویی اماکن مقدسه
۴	قراء، مزارع و باغات و غیره اصفهان و قم	زبیده بیگم بنت شاه سلیمان صفوی (بهادر خان)	۱۰۹۲ ق.ه	تولیت خود و فرزندانش ذکور	حفظ عین موقوفات، یک ثلث صرف برگزاری عزاداری در روز عاشورا و زیارت نجف و کربلا از طرف واقف، دو ثلث وقف اولاد
۵	دکاکین و خانات منار کله اصفهان و دکاکین و تیمچه پشت مدرسه جده کوچک	بدر جهان خانم بنت محمد مسعود (میرزا) وزیر سابق مازندران	۱۱۰۱ ق.ه	خود و فرزندانش ذکور	حفظ عین موقوفه، صلاح دید تولیت، قرائت قرآن بر سر قبر واقفه، فقرا و مسکینان، روشنایی مسجد
۶	آب و املاک بلده اردستان	زینب بیگم بنت امیر محمد اردستانی (شیخ الاسلام)	۱۱۰۳ ق.ه	تولیت همسر خود حکیم الملک	یک عشر حق التولیه، مستحقین

جدول متولیان و مصارف موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان صفوی



## ۱-۵. حفظ اموال:

تحلیل محتوای موقوفات زنان در این دوره بیانگر این است که تولیت این موقوفات اکثراً بر عهده واقفه و پس از آن بر عهده اولاد ذکور است به این معنی که واقفه سعی داشته با وقف اموال خویش و تولیت دادن آن بر خود و فرزندان مالکیت ابدی اموال خود را تضمین کند. این گونه وقف کردن و تولیت قرار دادن ناشی از ترس از حکومت و تصاحب اموال و املاک توسط حکومت یا صاحبان قدرت است. در واقع در جامعه مذهبی، دادن صبغه مذهبی به اموال در جهت صیانت و حفظ آن درایتی است که بسیاری از درباریان و امرا داشته‌اند و همین امر در بین زنان نیز قابل مشاهده است

تحلیل موارد مصرف موقوفات زنان این دوره، بیانگر این است که زنان واقف درصدد حفظ اموال و دارایی خود از طریق بقای آنان در نسل خود هستند از همین روست که حق تولیت را با عبارات متعدد و متنوع برای اولاد خود یا نزدیکان خود از خاندان حفظ می‌کنند. بدین رو مقوله «آینده در نسل» از تلفیق کدهای این واحدهای معنا دار به دست می‌آید. همچنین با قرار دادن قیدهایی در وقفنامه آن را از تعدی و دسترسی و نظارت دولتی یا شرعی نیز خارج می‌کنند تا بتوانند حفظ ملک خود را به سامان برسانند. (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹)

## ۲-۵. توجه به مذهب شیعه:

شاهان صفوی در رأس کسانی قرار داشتند که اقدام به وقف اموال خود می‌کردند. به طوری که بسیاری از املاک را وقف مقاصد خیریه به خصوص وقف بقاع متبرکه شیعه و از همه بالاتر آستان امام رضا علیه السلام در مشهد و خواهرش حضرت فاطمه معصومه (س) در قم کردند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۸۰) در اثر همین رویکرد شاهان صفوی، امرا و بزرگان و در کنار آنان زنان درباری و صاحب منصب نیز به تقلید از خاندان سلطنتی به وقف اموالی جهت امور مذهبی و شیعی پرداختند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۷۳-۷۷)

مورد دیگر در مورد مصارف موقوفات است؛ چنانچه از فحوای این شش وقفنامه بر می‌آید، نیت اکثر این موقوفات مربوط به عتبات عالیات و مراسمات مذهبی ائمه است که اختیار آن نیز بر عهده تولیت قرار داده شده است به گونه‌ای که حتی در موقوفه دده خاتون، یک هفتم از درآمد موقوفات را برای طلا علوم دینی قرار داده و هزینه کرد بقیه را بر عهده متولی قرار داده است.

تفاوت عمده موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان با دوره‌های پیشین، توجه کلی به بقاع متبرکه ائمه و بخصوص عتبات عالیات بود و در برخی موارد اختصاص این امر به خود بود چنانچه در موقوفه زبیده بیگم، دختر شاه سلیمان صفوی شاهدیم که واقفه بیان کرده که از هزینه موقوفه علاوه بر عزاداری دهه عاشورا « هر ساله مبلغ پنج تومان است ، و شخص شیعه صالح متدینی را در نجف اشرف تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیت واقفه مکره زیارت حضرت سیدالوصیین و أب الأئمة الطاهیرین امیر المؤمنین - علیه و علیهم الصلاة و السلام - را از قُرب ، با نماز زیارت به عمل آورد . و مقرری او هر ساله ثلث حاصل موقوفات است. و هکذا هر ساله مبلغ پنج تومان است ، و شخص شیعه صالح متدینی را در کربلای معلی تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیت واقفه محترمه زیارت حضرت سیدالشهداء و امام الاتقیاء ابا عبد الله الحسین - علیه التحية و الثناء - با زیارت حضرت عباس و جمیع شهداء رضوان الله علیهم اجمعین از قرب با نماز زیارت به عمل آورد و مقرری او از يك ثلث حاصل موقوفات است». (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)



## نتیجه‌گیری:

حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی دینی در دوران صفویه ارتباط مستقیمی با اقتدار پادشاه و فضای سیاسی اجتماعی آن دوران دارد. چنانچه در دورانی که شاهان صفوی اقتدار زیادی دارند، حضور زنان در عرصه سیاست تقریباً صفر است و در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و مذهبی، با اجازه پادشاه و در امتداد فعالیت‌های پادشاهان است. اگر تجلی حضور مذهبی فرهنگی زنان را به تأسی از پادشاهان و امرا در امر وقف بدانیم، در دوران شاهان مقتدر همچون شاه عباس اول موقوفه‌ای از زنان دربار سراغ نداریم و در دوران شاه عباس دوم نیز زنانی همچون جد شاه عباس که در بالاترین جایگاه‌ها قرار دارند اقدام به ایجاد موقوفه و آن‌هم در جهت اقدامات شاه عباس و اعتلای حکومت صفوی انجام داده‌اند.

با به قدرت رسیدن شاه سلیمان صفوی و همزمان با تضعیف نهاد پادشاهی در این حکومت، شاهد رشد موقوفات زنان درباری در این دوره هستیم که بیان‌گر تلاش برای دستیابی به جایگاه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایشان هستیم که کمتر در اسناد این دوره به این امر پرداخته شده است. ولی آنچه قابل بیان است گسترش موقوفات زنان در این دوره نتیجه تضعیف مقام پادشاهی و قدرت یابی زنان حرمسرا از یک طرف و وزرا و دیگر مقامات درباری از طرف دیگر است.

زنان در این دوره با وقف اموال خود از یک طرف در صدد ایجاد جایگاهی برای خود در بین جامعه و درباریان هستند و از طرفی با رنگ و بوی مذهبی دادن به موقوفات در صدد موجه جلوه دادن عمل خود برای جامعه شیعه برآمدند ولی آنچه از فحوای این وقف‌نامه‌ها به دست می‌آید، قرار دادن خود و فرزندان خود برای تولیت این موقوفات و اختیاراتی که به متولی داده‌اند بیشتر حفظ اموال و دارایی خود و باقی نگه داشتن آن برای فرزندان را مد نظر داشته‌اند تا آن که همچون موقوفات عهد اقتدار صفوی جهت ترویج فضای آموزشی و فرهنگی دینی را داشته باشد.

## کتابنامه

- احمدی، زهت (۱۳۷۶). «وقف نامه‌های بانوان در دوره صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۳ و ۴، سال پنجم.
- ارجح، اکرم (۱۳۹۱). «*موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی*»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۱۲۰-۱.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد در عصر صفوی*، تهران: صفی شاه.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰). *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، تهران: خیام.
- حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۷۸). *اسناد موقوفات اصفهان زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان*، چاپ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- حیدریان، اکرم (۱۳۸۸). «زنان واقف در عصر صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۶، ص ۵۹-۴۸.
- حیدریان، زهرا، (۱۳۸۸). «*زنان واقف در عصر صفوی*»، *وقف میراث جاویدان*، سال ۱۷، شماره ۶۶، ص ۵۹-۴۸.
- خسروی، محمد علی (۱۳۷۴). «موقوفات زنان در ایران»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۷-۴.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ریاحی، محمد حسین (۱۳۸۹). «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۷۱، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- زرین بافت شهر، فریبا (۱۳۸۴). «*فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل*»، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ پژوهان، سال اول، شماره ۳.
- سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۷۰). *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سیور، راجر (۱۳۸۴). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران صفوی*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، سید مصطفی؛ چلونگر، محمد علی؛ عباسی، علی اکبر؛ آبیاری، زهرا (۱۴۰۲). «تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران (مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی)»، *گنجینه اسناد*، شماره ۱۳، ص ۲۹-۵۳.
- فیگوئرا، دن گارسیا و سیلوا، (۱۳۳). *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.



• لاکه‌ه‌ارت، لارنس (۱۳۸۳). *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• منتظرالقائم، اصغر؛ شعبانی، زینب (۱۳۹۸) «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفوی»، *نشریه کتیبه میراث شیعه*، شماره ۲، ص ۵۳-۸۶.

- Harbaugh, W.T. (1998), "What do donations buy? A model of philanthropy based on prestige and warm glow", *Journal of Public Economics*, Vol. 67 No. 2, pp. 269-284.
- Mirakhor, A. and Askari, H. (2010), *Islam and the Path to Human and Economic Development*, Palgrave Macmillan, New York, NY.
- Sadeq, A. (1987), "Economic development in Islam", *Journal of Islamic Economics*, Vol. 1 No. 1, pp. 35-45.
- Chapra, M.U. (1999), "Islam and economic development: a discussion within the framework of Ibn Khaldun's philosophy of history", *Second Harvard University Forum on Islamic Finance: Islamic Finance into the 21st Century: Proceedings of a Conference*, Center for Middle Eastern Studies, Harvard University, Cambridge, MA, pp. 23-30.

## Investigating the jurisprudential position of the Waqf institution in the development of resistance economy

Hasan Amiri\*

Mohammad Javad abdollahi\*\*

### Abstract

eligious, including Islam. Of course, even before Islam, there was a waqf in Iranian culture in Iran. After Islam, according to the recommendations of the Holy Prophet (PBUH) and the pure Imams (PBUH) in this regard, waqf became more and more important. Therefore, the waqf institution has always been considered in Islamic economy and it can definitely be considered in resistance economy as well. Based on this, the main question of this research has been raised as follows: What is the role of waqf in the development of resistance economy? What is clear is that resistance economy can have a direct relationship with waqf. The findings of this research, which was conducted by field study and analysis method; it indicates that the waqf institution can be effective in economic development, eliminating poverty, providing social justice, eliminating the effects of congestion, compensating for the lack of government services, commercializing knowledge and technology, and increasing the level of employment in society. Also, according to the 24 principles of the resistance economy that were proposed by the supreme leader of the revolution in 2010 and his main emphasis on popularizing the economy; Waqf institution as a public institution will play an important role in achieving the goals and principles of resistance economy.

**Key words:** Waqf, Economic development, Jurisprudence and law, Resistance economy.

---

\*. Senior expert in jurisprudence and economic law

amirinew@yahoo.com

\*\* . Member of the Faculty of Law Department of Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch

E\_m\_abdollahi@yahoo.com



## دراسة الموقف الفقهي القانوني لمؤسسة الوقف في تنمية الاقتصاد المقاوم

حسن اميرى\*  
محمد جواد عبداللهى\*\*

### الخلاصة

الوقف هو أحد الأمور المهمة الموجودة في الديانات المختلفة بما في ذلك دين الإسلام و قبل الإسلام كان هناك أيضاً الوقف في ثقافة الإيرانيين في إيران. و بعد الإسلام و وفقاً لتوصيات الرسول الأكرم (ص) و الأئمة الأطهار (ع) في هذا الصدد، أصبح للوقف أكثر أهمية

لذلك فإن مؤسسة الوقف كانت دائماً مورد اعتماد في الاقتصاد الإسلامي ومن المؤكد أنها يمكن أن يؤخذ في الاعتبار الاقتصاد المقاوم أيضاً. وعلى هذا الأساس فقد تم طرح السؤال الرئيسي لهذا البحث كالتالي: ما دور الوقف في تنمية الاقتصاد المقاوم؟ و الأمر الواضح هو أن الاقتصاد المقاوم يمكن أن يكون له علاقة مباشرة بالوقف

تشير نتائج هذا البحث الذي أجري بأسلوب الدراسة و التحليل الميداني إلى أن مؤسسة الوقف يمكن أن تساهم في التنمية الاقتصادية، القضاء على الفقر، ضمان العدالة الاجتماعية، القضاء على الآثار المتركمة، تعويض النقص في الخدمات الحكومية،

تسويق المعرفة و التكنولوجيا وزيادة مستوى التوظيف

كذلك و وفقاً للمبادئ الـ ٢٤ للاقتصاد المقاوم التي اقترحها المرشد الأعلى للثورة الاسلامية في ايران عام ٢٠٠٩؛ التي تؤكد على تعميم الاقتصاد، و ستلعب مؤسسة الوقف كمؤسسة شعبية دوراً مهماً في تحقيق أهداف و مبادئ الاقتصاد المقاوم

**الكلمات المفتاحية:** الوقف، التنمية الاقتصادية، الفقه والقانون، الاقتصاد المقاوم

\* ماجستير في الفقه والقانون الاقتصادي

amirinev@yahoo.com

\*\* عضو كلية الحقوق قسم الحقوق جامعة آزاد الإسلامية فرع شهر الخميني

E\_m\_abdollahi@yahoo.com

## بررسی جایگاه فقهی حقوقی نهاد وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی



مقاله پژوهشی

حسن امیری\*  
محمد جواد عبداللهی\*\*

### چکیده

وقف از امور مهمی است که در ادیان مختلف از جمله اسلام وجود دارد البته پیش از اسلام نیز در ایران وقف در فرهنگ ایرانیان وجود داشته است. پس از اسلام بنا بر توصیه‌هایی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام در این خصوص داشتند وقف بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس نهاد وقف در اقتصاد اسلامی همیشه مورد توجه بوده است و قطعاً می‌تواند در اقتصاد مقاومتی نیز مورد توجه قرار گیرد. بر این مبنا سؤال اصلی این پژوهش این‌گونه مطرح شده است که جایگاه وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی چیست؟ آنچه مشخص است اقتصاد مقاومتی با وقف می‌تواند رابطه مستقیمی داشته باشند. یافته‌ها این پژوهش که به روش مطالعه میدانی و تحلیل انجام شده است حاکی از این است که نهاد وقف می‌تواند در توسعه اقتصادی، حذف فقر، تأمین عدالت اجتماعی، دفع آثار ازدحامی، جبران کمبود خدمات دولتی، تجاری‌سازی دانش و فن‌آوری، افزایش سطح اشتغال در جامعه تأثیرگذار باشد. همچنین با توجه به اصول ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی که توسط رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ مطرح شد؛ و تأکید اصلی ایشان بر مردمی‌کردن اقتصاد است، نهاد وقف به‌عنوان یک نهاد مردمی نقشی مهم در رسیدن به اهداف و اصول اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** وقف، توسعه اقتصادی، فقه و حقوق، اقتصاد مقاومتی.

\*. کارشناس ارشد فقه و حقوق اقتصادی

amirinev@yahoo.com

\*. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

E\_m\_abdollahi@yahoo.com



## مقدمه

وقف علاوه بر تأثیرات خوب، پایدار و عملی آنچه به‌عنوان بقایای صالحین شناخته می‌شود، در حقیقت تداوم ثروت و تخصیص آن به خدمات به مردم، نیازمندان و محرومان است. وقف با اقتصاد مقاومتی می‌تواند ارتباط داشته باشد چه اینکه در هر دو اشتغال و پول مورد تأکید هستند. اقتصاددانان قدرت اقتصاد مقاومتی را که در تقابل با اقتصاد وابسته باشد تعریف می‌کنند. اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی مناطق تحت فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و خنثی‌سازی آن‌ها و تلاش ایده‌آل برای تبدیل این فشارها به فرصت است. اقتصاد مقاومتی با هدف کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزایای تولید ملی و تلاش برای خودکفایی است. برخی نیز عنوان کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی طراحی و الگویی ویژه از شرایط اقتصادی و سازوکارهای مبتنی بر جو اقتصادی کشور است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی مبانی نظری و عملی برای مدل‌سازی نوع خاصی از اقتصاد است که به طور فزاینده‌ای برای مواجهه با تحریم‌ها آماده می‌شود. اقتصاد مقاومتی اقتصادی مبتنی بر دانش، معطوف به عدالت، مبتنی بر مشارکت و حمایت مردمی است، براین‌اساس در اقتصاد مقاومتی، عدالت و مشارکت مردمی به‌نوعی با یکدیگر مرتبط هستند همین مهم در نهاد وقف نیز مورد توجه است. نهاد وقف، می‌تواند در تسریع رشد و توسعه اقتصادی مؤثر افتد. طراحی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که اقتصاد باید در برابر تهدیدات اقتصادی خارجی مقاومت کند. جوامعی که با یک ایدئولوژی خاص در حال تحول و تکامل هستند، استراتژی‌های جدید و اقتصاد در حال ظهور برای خود دارند که دشمنان آن‌ها تمایلی به رشد و پیروزی ندارند؛ بنابراین آن‌ها سعی می‌کنند آن اقتصاد را به‌زانو درآورند؛ اقتصاد مقاومتی می‌تواند راه‌حل رشد اقتصادی و خروج از اقتصاد وابسته به نفت باشد. یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بهره‌وری است که می‌تواند نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی و رشد اقتصادی داشته باشد. نهادهای مختلف جامعه از جمله نهاد وقف، در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش دارند. وقف با ایجاد امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، اشتغال و ... رشد اقتصادی ایجاد می‌کند که علاوه بر کاهش هزینه‌های عمومی، وابستگی اقتصاد به نفت را کاهش می‌دهد.

جهانیان، ناصر، در مقاله «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم» (۱۳۹۵) بر این اعتقاد است که نهاد خیرخواه وقف به‌رغم سابقه درخشانش در تمدن قدیم اسلامی، امروزه از دید کارآمدی، سازمانی و مکتبی با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ این در حالی است که می‌توان با بررسی بُدهای گوناگون نهاد وقف به‌طور نظام‌مند و در چارچوب دینی معتبر و مبتنی بر دلایل نقلی، عقلی، علمی و تجربی و با استفاده از اطلاعات حاصله از اقتصاد بخش سوم و اقتصاد دهش این چالش‌ها را حل کرده و راه جدیدی برای نظام اقتصادی اسلامی در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران گشود. خاکسار آستانه و همکاران در مقاله «آسیب‌شناسی جایگاه نهاد وقف در مقاومت‌سازی اقتصاد کشور». (۱۳۹۴) بیان کرده‌اند که وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل‌توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آنها به‌کار بست. منافع حاصل از وقف و امور خیریه در دو بعد مادی و معنوی، می‌تواند در کاستن مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و پیشرفت مادی و معنوی مؤثر باشد. عالیان، رشیدیه و رضا درخشنده در مقاله «تأثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی» (۱۳۹۷) بر این اعتقادند که یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه باید به آن توجه داشت تأثیر نقش وقف و امور خیریه در تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌باشد. اینکه وقف تا چه حد می‌تواند در رفع کمبودها و شکوفایی اقتصاد کشور مفید واقع شود، نیازمند بحث و بررسی عمیق صاحب‌نظران، کارشناسان حوزه اقتصاد در سطح کلان و اعمال آن در سیاست‌ها و برنامه‌های عمرانی کشور است

محمد عبدالله در مقاله « Waqf, Sustainable Development Goals (SDGs) and maqasid al-shariah» (2018) تلاش می‌کند نقش بالقوه وقف (جمع، اوقاف، اعتماد همیشگی اسلامی) در جهان معاصر، به‌ویژه در عرصه توسعه، زمینه‌سازی شود. هدف این مقاله فراهم‌آوردن چارچوبی برای اوقاف برای حفظ همگرایی آن با برخی از اهداف اساسی توسعه پایدار است که با مقاصد الشریعه (اهداف عالیه شرع) نیز مطابقت دارد

مسعود احمد در مقاله « Role of Waqf in Sustainable Economic Development and Poverty Alleviation: Bangladesh Perspective» (2015). بر این اعتقاد است که وقف یکی از منابع نظام اقتصادی اسلامی است. منظور آن خیریه داوطلبانه است که در اسلام حضور بی‌نظیری دارد



وجه تمایز همه این پژوهش‌ها با مقاله حاضر دیدگاه پژوهشی آن می‌باشد. در واقع نویسندگان این مقاله از منظر دیدگاه فقهی و حقوقی سعی در تبیین کارکرد نهاد وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی دارند که در هیچ کدام از مقالات تألیف شده در این مورد به آن اشاره نشده است

## ۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

موضوع تحقیق یکی از مباحث علم حقوق و اقتصاد است با وجود اینکه این نهاد حقوقی توسط قانون‌گذار به‌عنوان شخص حقوقی شناخته شده این نظریه به‌خوبی از تمام زوایا تبیین نشده و آثار و احکام شخصیت حقوقی وقف به طور منسجم بیان نگردیده است؛ بنابراین بررسی این موضوع، حل مسائل آن و آشنایی محققان با دیدگاه‌های فقهی در مسئله و پرکردن خلأ حقوقی ناشی از پرداختن به موضوع، همه‌وهمه ضرورت تدوین پژوهش را عیان می‌کند بنابراین نیازهای جدید در اقتصاد، سیاست و حقوق زمینه پیدایش عناوین حقوقی را به‌گونه‌ای فراهم کرده است که مفاهیم حق و تکلیف به عناوین حقوقی مانند عناوین حقیقی نسبت داده شود. اما در نوشته‌های بررسی شده این موضوع چندان شکافته نشده است، شایسته است وقف به‌عنوان شخصیت حقوقی به لحاظ فقهی و حقوقی مورد بحث واقع شود و ابعاد و زوایای آن مورد بررسی قرار بگیرد. مطالعه شخصیت حقوقی وقف افزون بر ثمر علمی، نقش عملی و کاربردی نیز دارد و تا وضعیت آن در جامعه ما روشن نشود نمی‌توان به کارآمدی وقف فکر کرد. موقوفات در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌های زیادی شده و بسیاری از آن‌ها در اثر سودجویی و یا بی‌توجهی برخی از دولت‌ها و مسئولان از بین رفتند. از جمله در رژیم سابق که به‌موجب قانون اصلاحات ارضی بسیاری از موقوفات از حالت وقفی خارج شد و این امر ضربه مهلکی بود که بر اعتماد عمومی مردم وارد شد. تجربه‌های تلخی که از سرگذشت وقف در ذهن مردم جای گرفته به طور کامل از ذهن آنها زدوده نشده لذا باتوجه‌به اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی فقهی حقوقی جایگاه وقف در توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر اقتصاد مقاومتی را موردتوجه قرار نداده‌اند این پژوهش جدید بوده و دارای نوآوری می‌باشد

## ۲. مفهوم اصطلاحی وقف از دیدگاه فقها و حقوق ایران

در تعبیر فقها از وقف سه تعبیر عمده دیده می‌شود:

۱- تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۶)

۲- تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه (حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۱)

۳- تحبیس الاصل و تسبیل الثمره (خوئی، ۱۳۹۳: ۲۵۹)

بسیاری از تعاریف فقها از اصل سنت در ارتباط با بیان معنای اصطلاحی وقف نقل شده است که برخی از آن‌ها را در اینجا نقل می‌کنیم

تبیین دین فقه شافعی الامام النووی، در بیان دین فقهای شافعی وقف را چنین تعریف کرده است: وقف عبارت است از حبس مالی که انتفاع از آن با بقای عین مال ممکن باشد و تصرف در اصل مال ممنوع و مقطوع گردد و منافع رقبه (وقف) به قصد قربت هزینه می‌شود. امام سرخس، از علمای فقه حنفی وقف را این‌گونه تعریف کرده است: «حبس المملوک عن التملیک من الغیر» مراد از حبس منع است و مراد از «المملوک» آن است که واقف باید هنگام وقف مالک چیزی باشد که می‌خواهد آن را وقف کند و مراد از قید «عن التملیک من الغیر» آن است که تصرفات مالکانه در عین موقوفه مانند بیع و هبه و اجاره - جاری نخواهد بود و اضافه کردن «من الغیر» بعد از «عن التملیک» می‌تواند مفید آن باشد که عین موقوفه در تملک واقف باقی می‌ماند. آگاه باشید حنابله‌ها و شیعیان جعفری تقریباً در تعریف واقف اتفاق نظر دارند. ابن قداما مقدسی، از فقهای حنبلی در کتاب المغنی واقف را این‌گونه تعریف کرده است: «الوقف هو تحبیس الاصل و تسبیل الثمره» یعنی وقف حبس اصل و تسبیل منافع است (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۵).

در حقوق ایران در تعریف وقف در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده: «وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». دکتر ناصر کاتوزیان در خصوص ماده مذکور بیان داشته‌اند: مقصود از «حبس عین» جدا ساختن ملک (فک ملک) از دارایی مالک و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. عین باید تاب پایداری در برابر انتفاع را داشته باشد. وقف منفعت و دین و حق امکان ندارد. حبس عین باید دائمی باشد نه موقت، هرچند که پس از مدتی هدف وقف منتفی شود. تسبیل منفعت به معنی صرف در راه خدا است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۷).

در ماده ۵۶ آمده است: وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم‌مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است.

از این تعاریف می‌توان برداشت نمود که مقنن، تعریف و ماهیت و شرایطی که در فقه



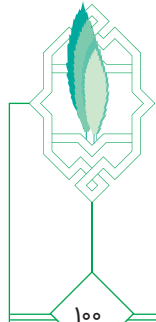
امامیه بیان گردیده است را موردتوجه قرار داده و همان مبانی و اصول را مبنا و اساس برای وقف قرارداده است. قانون در مورد این که مقصود از حاکم کیست صحبتی به میان نیاورده. اما دکتر سید حسن امامی می‌گوید: ذکر کلمه حاکم در مورد مزبور پیروی از حقوق امامیه است و فقهای که وقف را عقد می‌دانند (امامی، ۱۳۸۴: ۷۴). دکتر محمد امینیان مدرس در خصوص واژه حاکم در ماده مذکور می‌گوید: ظاهراً منظور از واژه حاکم در ماده ۵۶ کسی است که جهت وقف متوجه اوست و بنابراین اداره اوقاف و یا نهادی که منتفع از وقف است و یا حاکم شرع می‌تواند قبولی را اعلام کند (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۵).

### اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی مناطق تحت تهدید و سپس تلاش برای کنترل و خنثی‌سازی این تأثیرات و در حالت ایده‌آل، تبدیل این تهدیدات به فرصت است. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌های خارجی و تأکید بر تولید داخلی و تلاش‌های خودتکایی ضروری است. در شرایطی که نه صادرات و نه واردات برای آن کشور مجاز نیست و از نظر اقتصادی وابسته است و آنها تک‌محصولی هستند، پس از مواجهه با بحران‌های اقتصادی و تهدید به تحریم، جمهوری اسلامی ایران به سمت اقتصاد مقاومتی حرکت می‌کند و درصدد تقویت سیستم اقتصادی خود برآمده است. از نظر دولت ایران، هنگام تعریف اقتصاد مقاومتی، نیاز به مقاومت برای غلبه بر فشارها و غلبه بر مشکلات، دستیابی به نکات مثبت ملی ضروری است. در تعریفی دیگر، تز اقتصاد مقاومتی یا تقویت یک سیستم اقتصادی این است که در یک بنگاه اقتصادی یا در یک ساختار اقتصادی کلان مانند اقتصاد ملی یک کشور، ساختار و مدل اقتصادی طراحی، تعریف مجدد و بازسازی شود تا متغیرهای کلیدی اقتصاد بتوانند حداکثر کارایی خود را در برابر شوک‌های ناخواسته و حتی عمدی بدون ازدست‌دادن تعادل سیستم یا حداقل یک نقطه تعادل جدید برای سیستم اقتصادی با حداقل خطای حالت پایدار باز حفظ کنند و تولید ادامه پیدا کند! این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد

### ماهیت توسعه

نوسازی و توسعه دو مفهوم جدا از هم نیستند چراکه یکی از معانی توسعه‌یافتگی، مدرنیزاسیون و نوشدن است. تعاریف متعدد و گاه نسبتاً متفاوتی در تعریف این واژه آمده است، شاید یکی از دلایل آن گستردگی موضوعی و مفهومی در تعریف توسعه باشد. «اولین نکته در باب توسعه این است که این کلمه، دارای بار ارزشی بوده و تقریباً مترادف با کلمهٔ بهبود بکار می‌رود» (قدیری معصوم، ۱۳۷۹: ۲). این مفهوم در معنای «ترقی»، «تکامل» و «رشد» نیز در شکل کلاسیک به‌کاررفته است. از سوی دیگر واژه‌هایی همچون «مدرنیته»، «نوسازی» و حتی «غربی‌سازی» هم مطرح شده و به مفهوم توسعه گره خورده‌اند (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). با این مضامین، تعریفی جامع و کامل از توسعه به‌راحتی امکان‌پذیر نیست اگرچه می‌توان باتوجه‌به مضامین فوق در شمایی کلی آن را مفهومی گسترده نام نهاد که تمامی معانی پیش‌گفته را می‌تواند در برگیرد. در چند دههٔ بعد از جنگ جهانی دوم این مفهوم بیشتر رنگ پوزیتیویستی و در واقع کمیت‌گرا را به خود گرفته بود و معمولاً اندیشمندان آن زمان تفسیری اقتصادمحور بر توسعه را ارائه می‌دادند. اما با پشت سر گذاشتن مفهوم کلاسیک توسعه که تحت تأثیر پوزیتیویسم و به معنای تأکید بر تغییرات کمی و جداکردن ابعاد مرتبطی مانند سیاست و اقتصاد از هم بود، اکنون فراتر از ادبیات کلاسیک نوسازی، توسعه به‌صورت جامع و چندبعدی در قالب توسعه سیاسی و اقتصادی و توسعهٔ انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دارای معیارها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های معینی می‌باشد (موثقی، ۱۳۸۳: ۵۴). عموماً نظریات توسعه پس از جنگ جهانی دوم گسترش یافتند چراکه رفته‌رفته کشورهای جهان‌سومی استقلال می‌گرفتند و یا در پی آن بودند؛ بنابراین باید به فکر رشد و توسعهٔ کشور خود برمی‌آمدند. می‌توان نظریات توسعه را در چند بخش تقسیم کرد: ۱. نظریه نوسازی؛ افرادی مانند رد فیلد، اسملسر و روستو که از دید غرب به توسعه جهان سوم می‌نگریستند، یک‌روند خطی و رو به تکامل و بدون تفاوت برای کشورها را در نظر می‌گیرند که در نهایت به غرب به‌عنوان الگوی توسعه منتهی می‌شود. ۲. دیدگاه مارکسیستی توسعه: بر اساس این نظریات عامل اصلی توسعه‌نیافتگی عامل خارجی است. کشورهای توسعه‌یافته مرکز هستند و کشورهای درحال‌توسعه پیرامون. وابستگی پیرامون به مرکز از نظر فرانک علت توسعه‌نیافتگی پیرامون است. ۳. الگوی توسعه هانتینگتون: الگوی هانتینگتون بر نهادگرایی استوار است. از نظر وی وجه مشترک همه روندهای توسعه نهادینه شدن است و معیار آن رسیدن به سطح عالی



تطبيق، پیچیدگی، استقلال و پیوستگی است. ۴. نظریه‌های نخبه‌گرایی<sup>۱</sup>: که آن‌ها را با تفکرات پاره تو و گانتانو موسکا می‌شناسند

نظریه نوسازی اشاره دارد به مسئله توسعه در کشورهای درحال توسعه که می‌توانند از طریق پروژه نوسازی به توسعه‌یافتگی برسند و برای رسیدن به این مهم باید از تجربه کشورهای توسعه‌یافته استفاده بکنند. (Rostow, ۱۹۶۰). اما تئوری نوسازی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطالعات خود را بر حوزه‌های جدیدتری تمرکز داد: "از جمله تأکید بر هماهنگی شغلی با صنعت و نیازهایی که صنعت دارد، افزایش درآمد سرانه، بالابردن امید به زندگی، مردم‌سالارانه کردن حیات سیاسی و ... (Weinberg, ۱۹۷۶) در این سال‌ها بود که معنای توسعه و توسعه‌یافتگی هم دچار تحولاتی شد. «در همین زمان بود که توسعه پایدار<sup>۲</sup> در سازمان ملل مطرح شد و به دنبال کشف معمای توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم به وجود آمد». براین اساس توسعه، غیر از اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی، مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی و تأثیرات آن بر محیط‌زیست را اندازه می‌گرفت. در سال ۱۹۹۰ محبوب الحق<sup>۳</sup> شاخص "توسعه انسانی"<sup>۴</sup> را که بنا به تعریف خودش فرایند گسترش انتخاب را دنبال می‌کرد به صورت گزارشی در سازمان ملل بنا نهاد؛ به گمان وی هدف اساسی توسعه، گسترش دامنه انتخاب‌های افراد است در این راستا به نظر اینگلهارت و ولزل<sup>۵</sup>، ۱- مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی، ۲- انتقال فرهنگی به سوی تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود و ۳- دموکراتیک شدن، اجزای منحصربه‌فرد فرایند توسعه انسانی هستند که موجب گسترش دامنه انتخاب‌های افراد می‌شوند، آنان برای بررسی تغییر اجتماعی و نیز ارتباط میان سه جزء فرایند توسعه انسانی در تحقیقاتشان به بررسی دو بعد از تنوع بین فرهنگی می‌پردازند. این دو جنبه ارزش‌های بقاء / ابراز وجود و ارزش‌های سنتی / سکولار - عقلایی است که به نظر آنها قادر به توضیح تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای ۸۵ درصد از جمعیت جهان است. و آمارتیا سن<sup>۶</sup> با تأکید بر این رویکرد در سال ۱۹۹۴ بحث "توسعه انسانی پایدار" را همراه با آناند<sup>۷</sup> طرح کرد؛ او بر مفهوم آزادی تأکید بسیاری دارد (Sen, ۱۹۹۸):

1. Elitism
2. Sustainable Development
3. Mahbubulhaq
4. Human Development
5. Inglehart-Welzel
6. Amartya sen
7. Anand

اندیشمندان اخیر، از حرکت به سمت جوامع پسا صنعتی و مدرنیزاسیون ارزش‌های انسانی و کمرنگ‌تر شدن ارزش‌های سنتی و لاجرم درهم‌تنیدگی سه مفهوم سیاست، اقتصاد و فرهنگ سخن می‌گویند (Anand, ۱۹۹۴) براین اساس نقش دولت، برنامه‌ها و اهداف را در پیش‌بردن روند توسعه‌یافتگی یک کشور مهم تلقی می‌کنند. چراکه یک فضای پویای سیاسی - اقتصادی باتوجه‌به کارآمدی ساختار حاکمیتی یک کشور مورد نگرش قرار می‌گیرد

## توسعه اقتصادی

در مطالعه اقتصادی بخش عمومی، توسعه اقتصادی و اجتماعی فرایندی است که در آن رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی یک ملت، منطقه، جامعه محلی یا یک فرد باتوجه‌به اهداف و اهداف هدف بهبود می‌یابد. این اصطلاح به طور مکرر در قرن‌های ۲۰ و ۲۱ استفاده می‌شده است، اما این مفهوم برای مدت طولانی‌تری در غرب وجود داشته است. "مدرنیزاسیون"، "غربی‌سازی" و به‌ویژه "صنعتی‌سازی" اصطلاحات دیگری هستند که معمولاً هنگام بحث در مورد توسعه اقتصادی به کار می‌روند. از آنجاکه توسعه اقتصادی یک سیاست مداخله‌ای است که با هدف بهبود رفاه مردم انجام می‌شود، رشد اقتصادی پدیده بهره‌وری بازار و افزایش تولید ناخالص داخلی است. اقتصاددان آمارتیا سن<sup>۱</sup> رشد اقتصادی را به‌عنوان "یکی از جنبه‌های روند توسعه اقتصادی" توصیف می‌کند. اقتصاددانان در درجه اول بر جنبه رشد و اقتصاد به‌طور کلی تمرکز می‌کنند، درحالی‌که محققان توسعه اقتصادی جامعه خود را به توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز می‌پردازند

## جایگاه وقف در اقتصاد مقاومتی

در دوره عثمانی، توسعه و ساخت تأسیسات عمومی با سخاوت‌مندان مورد حمایت مردم چاه برای انجام مسلمانان به‌ویژه دولتمردان و افراد ثروتمند بود که در سایر سیستم‌های معاصر مسئولیت دولت تنها بود. تقریباً تمام خدمات دولتی، دینی، اجتماعی، علمی و نیازمندی‌های زندگی مدرن توسط تأسیسات وقف هیچ هزینه‌ای برای دولت تأمین و مدیریت نمی‌شد (Saduman & Aysun, ۲۰۰۹: ۲۷۳-۲۷۴). حتی تا قرن بیستم، طیف قابل‌توجهی از خدمات عمومی یا شهری در بسیاری از جوامع مسلمان تقریباً منحصراً توسط

1. Amartya Sen



واقف تأسیس، تأمین و نگهداری می‌شدند به‌علاوه، تاباکوگلو<sup>۱</sup> نشان داد که سهم درآمد وقف از کل درآمد عمومی در عثمانی حدود ۱۲ درصد در قرن شانزدهم بوده است. تعداد قابل‌توجهی وقف‌ها و همچنین احتمالاً افزایش ۲۵ درصدی همراه با افزایش مالکیت خصوصی و مشروبات الکلی در قرن هجدهم قابل‌توجه بود

خداوند در آیات قرآن از جمله آیه ۵۷ سوره آل عمران بیان می‌کند که با ایمان و عمل صالح می‌توان مستحق فضل الهی شد و در آیه ۴۶ سوره کهف از مردمان می‌خواهد تا به‌جای انداختن مال و فرزندان که زینت‌های زندگی دنیوی است به فکر آخرت خودشان باشند و باقیات صالحات به جا گذارند که همان اعمال صالح ماندگار است که از جمله آن‌ها نماز و روزه، ساخت مساجد، مدارس و موقوفات و خیرات دیگری است که انسان در راه خدا انجام می‌دهد

پس کسی که مالی را وقف می‌کند در حقیقت برای خودش باقیات صالحات به جا می‌گذارد. این‌گونه هم خودش از زندگی مناسب دنیوی و سپس از آثار و برکات اخروی آن در قیامت بهره‌مند می‌شود و هم دیگران از موقوفه بهره می‌برند. شیخ حر عاملی در صفحه ۲۹۲ از مجلد ۱۳ وسایل شیعیه آورده امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس از این جهان درگذرد، پس از مرگ، چیزی به او نمی‌رسد جز آنکه پیش‌تر سه چیز از خود باقی گذاشته باشد: ۱. کار نیکی که اثرش پس از او باقی باشد؛ ۲. سنت حسنه‌ای که در میان مردم رواج داده باشد و بعد از او مردم به آن روش عمل کنند؛ ۳. فرزند صالحی که برای او دعا کند

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: شش چیز است که شخص مؤمن پس از مرگش از آن بهره‌مند خواهد شد: ۱. فرزند صالحی که برای او طلب آمرزش کند؛ ۲. قرآنی که از او باشد و مورداستفاده قرار گیرد؛ ۳. درختی که می‌نشانند؛ ۴. چاه آبی که احداث می‌نماید؛ ۵. چشمه آبی که در راه خدا جاری می‌کند؛ ۶. سنت و روش نیکی که پس از او مردم به آن عمل می‌کنند. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۹)

خداوند هم چنین در آیه ۲ سوره مائده از مردم می‌خواهد تا در کارهای نیک و خیر مشارکت و تعاون داشته باشند و شکی نیست که صدقات در قالب موقوفات به سبب استمرارش از مصادیق بارز معاونت در کارهای خیر و نیک است

اما اینکه چگونه وقف در اقتصاد مقاومتی می‌تواند نقش ایفا کند باید گفت که وقتی

1. Tabakoglu

اموالی در قالب موقوفات در اختیار جامعه مسلمین قرار می‌گیرد، این فرصت به عموم مردم داده می‌شود تا از آن بهره‌مند شوند و به شکلی هزینه‌های عمومی مردم کاهش می‌یابد. همین کاهش هزینه‌ها، موجب افزایش ثروت و سرمایه‌گذاری مردم و دولت در بخش‌های دیگر می‌شود و فرصت تولید و کارهای دیگر را فراهم می‌آورد.

در نظر بگیرید که جامعه، نیازمند یک مکان آموزشی باشد. در اینجا شخصی قسمتی از ثروت خود از ملک یا مال را در اختیار این بخش قرار می‌دهد و این‌گونه هزینه‌های عمومی نهادهای دولتی کاهش می‌یابد و در جایی دیگر سرمایه‌گذاری می‌شود. این موجب می‌شود که کار دیگری با همین بودجه ایجاد شود و شغل و تولیدی صورت گیرد. در اینجا همه مردم به شکلی از این سرمایه‌گذاری دولت در بخش دیگر نیز سود می‌برند. به سخن دیگر، با یک کار خیرخواهانه وقفی، هم بخشی از نیازهای جامعه برآورده می‌شود و هم بودجه و اعتبار، در کار دیگری هزینه شده و زمینه برای کارهای عظیم‌تر و بزرگ‌تر فراهم می‌گردد.

موقوفات عام‌المنفعه به سبب اینکه عین مال همواره در اختیار جامعه است، باعث کاهش شدید هزینه‌های عمومی و افزایش رفاه و ثروت جامعه می‌شود. برآوردهای علمی نشان می‌دهد که در برخی از کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان بخش عمده هزینه‌های آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از طریق موقوفات تأمین می‌شود و دولت آلمان از ظرفیت وقف برای افزایش رفاه و تولید ملی و رفاه ملت خود سود می‌برد.

کسانی که اموالی را وقف می‌کنند به جامعه این امکان را می‌دهند که بر ثروت و قدرت خود تکیه کند و نیازمند بیرون نباشد؛ زیرا هر جامعه‌ای وقتی نیازهایش را خود برطرف کند و نیازمند بیرون نباشد، دیگر نیازی نیست که ثروت و قدرت را از بیرون وارد کند و دچار وابستگی شود. هر جامعه‌ای، با قناعت و صرفه‌جویی و بهره‌مندی از امکانات ملی خود می‌تواند قوام پیدا کند و بر روی پای خود بماند. وقتی ثروتمندان بخشی از ثروت خود را وقف کارهای عام‌المنفعه می‌کنند با چنین عملی در کارهای خیر معاونت کرده و دولت را از بار سنگینی رها بخشیده و هزینه‌های آن را کاهش می‌دهند. در چنین حالتی دولت می‌تواند درآمدهای ملی را در جایی دیگر هزینه کرده و در مقابل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی تاب بیاورد و از فشار سنگین آن خود را برهاند.

با بررسی اسناد اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار مشابهت‌های بسیار و همچنین تفاوت‌های اندک لیکن با ارزشی به دست می‌آید که مهم‌ترین آنها فرهنگ معنوی



و بومی و لزوم ارتباط آنان با مؤلفه اقتصاد است که این ارتباط در سند توسعه پایدار مشاهده نمی‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش فشارهای اقتصادی بین‌المللی، طی چهار دهه، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۰ مفهومی را در ادبیات اقتصادی با عنوان مقاومت در برابر اقتصاد ایجاد کردند که در آن پیشرفت اقتصادی و خروج از اقتصاد است. بحران‌های بین‌المللی به اجرای سیاست‌ها و شاخص‌های کلی اقتصاد مقاومتی بستگی دارد. در همین راستا، مجامع بین‌المللی و در رأس آن، سازمان ملل متحد، از زمان تأسیس تاکنون، به‌منظور کاهش فقر و پیشرفت در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه در سطح بین‌المللی، مفهومی به نام توسعه پایدار ایجاد کرده و اسناد مختلفی را در این زمینه تصویب کرده است، آخرین آن سند ۲۰۱۵ سازمان ملل در مورد توسعه پایدار و اهداف هفده‌گانه آن است. به نظر می‌رسد که بین اهداف سند توسعه و اهداف اقتصاد مقاومتی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد (شیروی و خدایپرست، ۱۳۹۸: ۲۴۹-۲۷۰). مهم‌ترین تفاوت این دو سند را می‌توان در ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت در هر دو دید. یکی از این موضوعات همانا عدم بررسی وقف در سند توسعه پایدار اسناد بین‌المللی است که در این پایان‌نامه بدان اشاره کردیم. این در حالی است که اساساً وقف بخشی از درآمد یا هزینه دولت نیست، بلکه خیریه‌ای است که به طور داوطلبانه توسط افراد متمکن مسلمان در جامعه برای تأمین منافع عمومی و ارتقا سطح رفاه آنها ارائه می‌شود. دولت با تأمین اعتبار از طریق وقف می‌تواند مقدار زیادی از بودجه و هزینه خود را که در ابتدا برای منافع عمومی برنامه‌ریزی شده بود پس‌انداز کند. این بودجه می‌تواند به طور مؤثر به سایر فعالیت‌های مهم توسعه هدایت شود. از این نظر است که نهاد وقف می‌تواند جایگزین بار و مسئولیت دولت شود و از مشارکت آن در اقتصاد بکاهد. هرچه صندوق وقف برای برخی از پروژه‌های توسعه‌ای مفید برای جامعه جمع‌آوری شود، سهم دولت برای این پروژه‌های خاص کمتر خواهد بود این رویه در راستای اقتصاد مقاومتی می‌تواند قرار بگیرد. (Baskan, 2002: ۱۳).

وقف می‌تواند مشارکت دولت در اقتصاد را با نسبت و چشم‌انداز مناسب قرار دهد. در اقتصاد جهانی شده فعلی، باید بخش خصوصی بیشتری برای مشارکت فعال در توسعه اقتصادی در اختیار اقتصاد خصوصی قرار گیرد زیرا اقتصاد کارا محور می‌تواند به طور معمول توسط این بخش خصوصی تحت فشار قرار گیرد. اقتصاد نوآوری و خلاقیت زمانی قابل پرورش است که بخش خصوصی فرصت‌های زیادی برای مانور داشته باشد.

به‌طورکلی، مشارکت گسترده دولت در اقتصاد مانع پیشرفت بخش خصوصی خواهد شد. با بزرگ‌تر شدن بوروکراسی دولتی، تمایل بیشتری برای تمرکز اقتصاد وجود دارد اساساً با تعهد جامعه فعال به الزامات اقتصادی اجتماعی می‌توان از استقراض دولت از طریق تأمین بودجه جلوگیری کرد. بودجه کسری به طور معمول تأثیرات مالی بدی بر دولت دارد. در شرایط بی‌ثبات اقتصادی جهان، بخش عمومی باید از وام‌های عمومی خود بکاهد تا از به‌روز بحران‌های احتمالی در آینده جلوگیری کند. بحران‌های مالی قبلی که کشورهای آسیای شرقی را تحت تأثیر قرار داده بود، درسی ارزشمند به دست آورد که وام‌های عظیم دولتی و خصوصی، به‌ویژه از منابع خارجی، تأثیرات منفی بیش از حد بر منطقه ایجاد کرد

به‌عبارت‌دیگر، احیای مجدد و احیای مجدد سیستم وقف باید به‌عنوان یک گام حیاتی در مبارزه برای ازبین‌بردن ربا در نظر گرفته شود. براین‌اساس، حذف تدریجی یا کاهش بهره از طریق سیستم وقف باید موردتوجه قرار گیرد. وقف می‌تواند این کمک‌ها را با کمک‌های داوطلبانه انجام شده توسط مردم انجام دهد؛ بنابراین، سرمایه انباشته خصوصی ممکن است داوطلبانه تأمین مالی شود و خدمات اجتماعی را به جامعه توسعه دهد بدون اینکه در تأمین بودجه کسری گرفتار شود

نهاد وقف نیز برای دستیابی به توزیع عادلانه ثروت و درآمد در اقتصاد نقش مهمی دارد. به نظر می‌رسد که وقف از طریق کمک‌های داوطلبانه ثروتمندان برای اهداف عمومی می‌تواند تأثیر مثبتی در توزیع مجدد ثروت داشته باشد. این نوع رویکرد داوطلبانه نتیجه بسیار بهتری نسبت به توزیع مجدد از طریق مالیات و هزینه‌های انتقال دولت دارد زیرا ابزار مالیات برای اجرای آن هزینه‌های بیشتری دارد. به دلیل عدم تنظیم صحیح مالیات، هزینه‌های جمع‌آوری مالیات ممکن است بارهای غیرضروری را برای دولت ایجاد کند. به همین ترتیب، در انتقال هزینه‌های دولت، هزینه زیادی را شامل می‌شود. برعکس، به‌صورت وقف، هزینه‌های جمع‌آوری بسیار ارزان خواهد بود و در بیشتر موارد حتی به‌هیچ‌وجه هزینه‌ای ندارد

در یک و نیم‌قرن اخیر، اقتصاددانان سیاسی توافق کردند که دولت کارآمدترین راه‌حل برای غلبه بر مشکلات نابرابری است. باین‌حال، باسکان (۲۰۰۲) نشان داد که راه‌حل در جهان اسلام در طول تاریخ "همکاری فردی - دولتی" بوده است. مشاهده شد که محصول این همکاری یک سیستم وقف بوده است (Baskan, 2002: ۱۸-۱۹). در این فرایند، مالیات



به طور قطعی یک نقش ثانویه دارد. پیامدهای دیگری نیز وجود دارد: بار مالیاتی کمتر به معنای افزایش مازاد مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و کاهش "هزینه سنگین مالیات" است. در نتیجه، پایین آمدن مالیات تأثیر مثبتی بر تولید کل خواهد داشت و درعین حال هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان کاهش می‌یابد و از رشد تورمی جلوگیری می‌کند

تعالیم اسلامی به افراد بسیار توصیه می‌کند که به فقیران صدقه دهند یا از طریق مکانیزم وقف، علاوه بر زکات، برای منافع عموم مردم هزینه کنند. از طریق چنین مکانیزمی داوطلبانه، افراد به مقامات کمک می‌کنند تا وضعیت جامعه را بهبود بخشند. از آنجاکه وقف ساخته شده توسط افراد ثروتمند به‌طور کلی منافع جامعه و فقرا را به طور خاص فراهم می‌کند، این ویژگی در کاهش اثرات نابرابری درآمد و ثروت نقش دارد. متفاوت از تأثیر کوتاه‌مدت سیاست‌های بودجه‌ای دولت، نهاد وقف می‌تواند گرایش به تمرکز ثروت در جامعه را از بین ببرد

فقر و نابرابری درآمد همیشه از مهم‌ترین و مهم‌ترین مشکلاتی است که جوامع با آن روبرو هستند. روش‌هایی برای رسیدگی به مشکلات فقر وجود دارد، از اقدامات پیشگیرانه تا اقدامات درمانی. یک راه مهم برای کاهش فقر که توسط اسلام در نظر گرفته شده است، خیریه است که نقشی را ایفا کرده و می‌تواند به‌عنوان یک وسیله مؤثر برای غلبه بر این مشکلات حاد باشد. خیرات اشکال مختلفی دارد اما نوع صدقه طولانی‌مدت آن است که دارای ویژگی ماندگاری باشد. نهاد وقف چنین خیریه همیشگی در نظام اسلامی است. قلب اصلی قرآن در این زمینه این مفهوم است که مال باید در بین تمام اجزای جامعه پخش شود (سوره حشر: ۷) و همچنین باید از طریق خیرات پاک شود (سوره توبه: ۱۰۳). این مؤسسه خیریه سپس به دو قسمت تقسیم می‌شود: (۱) صدقه داوطلبانه به نام صدقه، از جمله وقف (وقف تقوی) و (۲) صدقه غیرارادی به نام زکات. (Bonner, ۲۰۰۵) از طریق وقف می‌توان دارایی‌های بلندمدت را که باعث ایجاد درآمد می‌شوند، ایجاد و حفظ کرد. این دارایی‌ها به‌وضوح به روند تولید و ایجاد ثروت کمک می‌کنند. وقف می‌تواند با هدف‌گیری ویژه فقرا به‌عنوان دریافت‌کنندگان عمده مزایای آن، نقش مهمی در کاهش فقر داشته باشد. وقف همچنین به‌منظور انتشار دانش و مهارت‌های مربیگری در توسعه کارآفرینی در بین فقرا تشکیل شده است زیرا تأمین مالی خرد به‌تنهایی نمی‌تواند ثروت ایجاد کند مگر اینکه با مهارت‌های کارآفرینی ترکیب شود. در واقع همه

برنامه‌های کمک فنی از جمله فقرزدایی می‌توانند به‌عنوان وقف سازماندهی شوند.

نقش رفاه اجتماعی مؤسسات وقف به نوع و اندازه آنها بستگی خواهد داشت. وقف را می‌توان به دودسته اصلی تقسیم کرد. طبقه‌بندی اول بر اساس ناحیه / حوزه وقف است که به‌عنوان (۱) مذهبی و (۲) انسان‌دوستانه متمایز می‌شود. اولی مکان‌های مذهبی مانند مساجد، گورستان‌ها، امامزاده‌ها / مقبره‌ها و غیره خواهد بود و دومی دارایی‌ها / املاکی است که برای مناطق غیرمذهبی / قلمرو مانند مدرسه، بیمارستان، پل، جاده و غیره داده می‌شود. طبقه‌بندی دوم بر اساس نوع ذی‌نفعان که می‌تواند (۱) اعضای خانواده یا (۲) جامعه عمومی باشد. این طبقه‌بندی‌ها در جدول زیر نشان داده شده است

جدول ۱ طبقه‌بندی‌ها

بشردوستانه <sup>۱</sup>	مذهبی <sup>۲</sup>	ذی‌نفعان <sup>۳</sup>
B	A	خانواده
D	C	عمومی

از منظر کاهش فقر، وقف نوع B، A و C مهم نیستند. وقف نوع A معمول نیست زیرا اعضای خانواده معمولاً نمی‌توانند تنها ذی‌نفع وقف مذهبی باشند. نوع B و C از نظر اقتصادی نمی‌تواند به سود فقرا باشد، زیرا اولی برای اعضای خانواده است و دومی عبادتگاه است. فقط وقف نوع D برای رفع فقر مربوط است. درآمد حاصل از وقف انسان‌دوستانه برای عموم مردم می‌تواند به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به فقرا خدمات ارائه دهد

علاوه بر این، بخش مالی اسلامی نیز باید نقش خود را برای ازبین‌بردن فقر بازی کند. به گفته احمد (۲۰۰۷)، تأمین بودجه فقرا واقعاً استفاده واقعی از نقش اجتماعی بخش مالی اسلامی و همچنین ویژگی منحصربه‌فرد آن است که باید حتی بیشتر ارتقا یابد. از این منظر، بسیاری از محققان ایجاد مؤسسات واسطه‌ای را برای کمک به رشد شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر زکات، وقف و صدقه پیشنهاد می‌کنند. این بازده حاصل از وقف و صدقه تولیدی است که می‌تواند برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک مسلمان تولید شود (Ahmed, 2004)

1. Philanthropic
2. Religious
3. Philanthropic



به‌طورکلی، ویژگی‌های وقف به‌خوبی مدیریت شده باعث پیشرفت اقتصادی در کشور می‌شود. نیک حسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) یادآوری کرد که درگذشته، به‌ویژه در دوران امپراتوری عثمانی، تأیید شده بود که وقف و اقتصاد در جهت مثبت بسیار متصل هستند. هم‌زمان با شکوفایی نهاد وقف، اقتصاد کشور نیز در حال پیشرفت بود. هرچه اندازه املاک وقف بزرگ‌تر باشد، درگیری بخش خصوصی بزرگ‌تر و پیشرفت اقتصادی بیشتر است. بین مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد با پیشرفت اقتصادی ملی رابطه مثبت وجود دارد. جالب‌تر اینکه، از آنجاکه وقف کالاهای عمومی را تأمین می‌کند و بنابراین نیازهای جامعه را به‌اندازه کافی برآورده می‌کند، مشکل کمبود کالاهای عمومی را حل می‌کند که اغلب در اقتصادهای معمولی مشاهده می‌شود. با توجه به مشارکت گسترده بخش خصوصی، تأمین وقف برای اهداف عمومی بسیار فراوان است و حتی ایجاد بیش از حد کالاهای عمومی به‌جای کمبود آنها در اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی می‌تواند شود. چه اینکه وقف به‌عنوان بخشی از هزینه در راه خدا همچنین گردش مالی را در جامعه تحریک می‌کند که توسط قرآن کریم پیش‌بینی شده است (حشر: ۵۹). انگیزه انجام وقف از جانب پیامبر و پادشاه‌های مادام‌العمر و زندگی پس از مرگ، مسلمانان را به انجام این خیرات نجیب ترغیب کرده است. این اقدام می‌تواند به‌طور مؤثر از احتکار و ثروت بیکار در اقتصاد جلوگیری کند و آن را به گردش و تولید ادامه دهد که در نهایت منجر به پیشرفت اقتصادی شود.

بسیاری از کشورهای مسلمان با پی‌بردن به نقش مهم وقف در توسعه اجتماعی و اقتصادی، توجه ویژه‌ای به توسعه خواص وقف و احیای مجدد عملکردها و توانایی آنها در ارائه خدمات مهمی که در گذشته ارائه می‌دادند، داده‌اند. دارایی‌های موجود وقف در بیشتر کشورهای اسلامی نشان‌دهنده مقدار زیادی ثروت اجتماعی است که می‌تواند برای تولید بسیاری از خدمات اجتماعی به‌ویژه با افزایش ارزش سرمایه آنها در نتیجه تغییرات اقتصادی و جمعیتی ایجاد شود. با این وجود، پیش‌شرط‌های متعددی وجود دارد که اگر وقف قصد دارد نقش مهمی را در توسعه اقتصاد مسلمانان بازی کند، باید برآورده شود. در زیر برخی از پیش‌نیازهایی که دانشمندان مسلمان مطرح کرده‌اند آورده شده است که می‌تواند در زمینه اقتصاد مقاومتی نیز درست باشد.

اولاً، صدور چارچوب قانونی جدیدی که تعریف واضحی از واقف ارائه می‌دهد، عملکرد

1. Nik Hassan

و اهداف آن را مشخص می‌کند، این نهاد را به طور مؤثر سازماندهی می‌کند و نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آن را تنظیم می‌کند. علاوه بر این، چنین چارچوبی قانونی باید حمایت قانونی لازم را از املاک وقفی داشته باشد و حاکم بر بازپس‌گیری کلیه املاک وقفی باشد که به سایر اشخاص دولتی و / یا خصوصی منتقل شده است و همچنین بررسی سوابق قدیمی وقف به منظور استفاده مجدد از آنها حق وقف را در بسیاری از املاک از دست‌رفته باید ایجاد شود

ثانیاً، تجدیدنظر در مدیریت وقف، به‌ویژه نوع سرمایه‌گذاری آن در وقف و ارائه پشتیبانی فنی، مدیریتی و مالی از مدیریت وقف برای کمک به آن در افزایش بهره‌وری از ویژگی‌های وقف. این کار به‌منظور تحقق دو هدف انجام می‌شود: (۱) افزایش کارایی و بهره‌وری از ویژگی‌های وقف و (۲) برای به حداقل رساندن پتانسیل اقدامات غیرصادقانه و فساد توسط مدیران وقف (ناظران). همچنین نیاز به ارائه شیوه جدید مدیریتی متناسب با نهاد وقف و ارائه بررسی و تعادل کافی در مدیریت وقف وجود دارد

ثالثاً، تجدیدنظر در مفهوم کلاسیک فقه در مورد وقف به‌منظور جای‌دادن بسیاری از اشکال جدید وقف بالقوه خصوصاً در حوزه وقف حق انتفاع و وقف از خواص غیرفیزیکی (خواص انتزاعی). به همین ترتیب، مفهوم وقف موقت نیز باید گسترش یابد. از آنجاکه وقف بر اساس قوانین اجتهادی استوار است، باید خلاقیت بیشتری در توسعه بیشتر آن اعمال شود (Karim, 2012).

چهارم، تعریف مجدد نقش وزارتخانه‌های وقف با ساختن آنها به‌عنوان عوامل پشتیبانی و کاتالیزورهای کمک در توسعه واقف به‌جای مدیران دولتی خواص وقف پنجم، ساختن یک طرح جامع در هر کشور مسلمان به‌منظور فعال‌سازی مجدد املاک وقف به‌گونه‌ای که منافع و خدمات آنها را به حداکثر برساند

ششم، شناختن اهمیت و ضرورت وقف خانواده و نقش آن در رشد اقتصادی و بازگرداندن احکام محافظت‌کننده و وقف خانوادگی را به طور خاص سازماندهی کرده و به‌طورکلی ایده استقرار وقف جدید را ترویج داده شود

علاوه بر این، احمد (۲۰۰۴) همچنین ایده‌هایی برای توسعه بیشتر نهاد وقف در زمانه فعلی دارد. اولاً، گسترش نهاد وقف صرفاً برای اهداف مذهبی به سمت اهداف عمومی (که در جدول بالا آورده‌ایم). تجربیات کشورهای مسلمان نشان داده است که اکثر بنیادهای قانونی ماهیت مذهبی دارند (مساجد، گورستان‌ها و زیارتگاه‌ها) و بنابراین کمک‌چندانی



به رفاه فقرا نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که مردم بیشتر از زکات به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با مشکل فقر آگاهی دارند

ثانیاً، افزایش کیفیت و کمیت مؤسسات وقف و سرمایه‌گذاری در خواص وقف توسعه‌نیافته. طبق گفته کریم (۲۰۱۲)، از روش‌های مختلف مالی اسلامی معاصر می‌توان برای این منظور استفاده کرد مانند صکوک بر اساس مشارکه، اجاره و... اعتماد سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات

پس از برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های وقف، برخی از موارد شرعی و تصمیم‌گیری پیرامون این موارد باید رعایت شود مانند (۱) وقف دائمی در مقابل وقف موقت. (۲) دارایی‌های منقول و غیرمنقول؛ (۳) استهلاك یا افزایش سرمایه (۴) ضمانت سرمایه (۵) مشخصات ریسک و بازده سرمایه‌گذاری؛ (۶) انباشت درآمد در برابر افزایش سرمایه؛ (۷) پتانسیل درآمد منفی؛ و (۸) استبداد و فروش دارایی‌های واقف (Karim, 2012) ثالثاً، افزایش مقدار وقف با تأسیس نهادهای جدید. در کشورهای مسلمان مشاهده شده است که نهادهای جدید وقفی تأسیس نمی‌شوند. یک دلیل محدودیت مؤسسات جدید وقف ممکن است ناشی از تصور این باشد که وقف باید به‌صورت زمین و املاک و مستغلات باشد که به مقدار زیادی پول نیاز دارد. امروزه فقط افراد بسیار ثروتمند قادر به ایجاد وقف‌های جدید هستند؛ بنابراین، برای افزایش تعداد دارایی‌های وقف، قوانین و مقررات و همچنین مفهوم فقهی وقف باید براین‌اساس تجدیدنظر شود تا ایجاد و توسعه نهادهای جدید وقف در زمان کنونی تسهیل شود

سرانجام، اهمیت بررسی جامع خواص وقف را برای افزایش اثربخشی مدیریت وقف برجسته است. این مهم ممکن است شامل چنین اطلاعاتی در مورد تعداد دقیق، ماهیت، ارزش، درآمد، اشیاء، ساختار اداری و سایر جزئیات خواص وقف باشد

## نتیجه گیری

پایداری در اموال وقف بیشتر مربوط به تلاش برای حفظ ارزش اموال از طریق تولید مداوم مزایای وقف است. این مزایا نه تنها به خاطر رفاه است، بلکه در عین حال بودجه‌ای را برای بهبود املاک وقفی موجود و همچنین گسترش بیشتر اموال وقفی ایجاد می‌کند. بر این اساس وقف در راستای اقتصاد مقاومتی می‌تواند کارساز باشد و اگر برخی پیش‌نیازهای مربوط به چارچوب قانونی، مفهوم فقه وقف، مدیریت و برنامه‌ریزی به طور جامع بهبود یابد، می‌توان در زمان مدرن به موفقیت دست یافت. علاوه بر این، ایجاد املاک وقفی باعث درآمدزایی، گسترش وقف به سمت اهداف اقتصادی - اجتماعی و ایجاد مؤسسات جدید وقف نیز راهکارهای مهم و راهبردی در زمینه اقتصاد مقاومتی است. بنابر آنچه در این مقاله مورد پژوهش قرار گرفت پیشنهادات زیر قابل تأمل خواهد بود

باتوجه به جنبه مدیریت، اداره و حکمرانی وقف در دوران معاصر، بسیاری از محققان نیز اهمیت مدیریت حرفه‌ای و اداره شفاف وقف را برای نتایج مؤثر برجسته می‌کنند؛ لذا پیشنهاد می‌شود محققان داخلی در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشند.

تلفیق وقف با دارایی‌های معاصر مانند پول نقد و سهام، انعطاف‌پذیری را افزایش می‌دهد و مشارکت را گسترش می‌دهد. پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های دولتی در این زمینه اقدام کنند

در کشورهای در حال توسعه، توده‌های مردم فقیر به دلیل کسادی سمت عرضه یا در دسترس نبودن خدمات حمایتی، به خدمات مالی دسترسی ندارند. پیشنهاد می‌شود صداسیما در تبلیغ وقف فعالیت بیشتری داشته باشد.

برخی از توصیه‌ها برای افزایش کارایی نهاد وقف در کاربردهای معاصر در زیر ذکر شده است

تأمین کمک‌های خیرخواهانه به صورت آنلاین در وقف نقدی می‌تواند کارآمدتر باشد و مشارکت بیشتری را به‌ویژه در موارد اضطراری به همراه داشته باشد

همچنین می‌تواند به سرمایه‌گذاری در هزینه‌های همدلانه تکنانشی کوتاه‌مدت در موارد خاص و رویدادها کمک کند

ارائه مشوق‌های مالیاتی برای مشارکت بیشتر افراد و شرکت‌های بزرگ در ایجاد اوقاف

مهم است



ایجاد آگاهی اجتماعی برای ایجاد نوع مناسب وقف در مکان مناسب مهم است. به‌عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای مسلمان، فقط مساجد به‌عنوان وقف و غالباً بسیار نزدیک به یکدیگر ساخته می‌شوند، درحالی‌که اکثر مسلمانان اغلب با کمبود خدمات پزشکی و آموزشی اساسی روبرو هستند

## کتابنامه

- امامی، حسن (۱۳۸۴). *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۶). *وقف از دیدگاه حقوق و قوانین*، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۵). «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم»، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال شانزدهم شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۵.
- حر عاملی (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خاکسار آستانه، حمیده؛ علی رهنما و حسن ابراهیمی، (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی جایگاه نهاد وقف در مقاومت‌سازی اقتصاد کشور»، *اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان*، تفرش: دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرفسور حسابی تفرش.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *منهاج الصالحین*، العبادات والمعاملات، تهران: مکتبه اللطفی.
- شیروی، عبدالحسین، خدایپرست، ناصر. (۱۳۹۸). «اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی». *فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، شماره ۴۹.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتب المرتضویه لایحاء الآثار الجعفریه.
- عالیان، رشدیه، و درخشنده، رضا (۱۳۹۷). «تأثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی». *کنفرانس علمی پژوهشی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران*.
- قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۷۹). «سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، زمستان ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر میزان.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۳). «توسعه؛ سیر تحول مفهومی و نظری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۳.

- Abdullah, M. (2018), "Waqf, Sustainable Development Goals (SDGs) and maqasid al-shariah", *International Journal of Social Economics*, Vol. 45 No. 1, pp. 158-172.
- Ahmed, H. (2007). Waqf-based microfinance: Realizing the social role of Islamic finance. Paper presented at the International Seminar on Integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, March 6-7. Alhabshi, S. O. 1991.
- Anand, Sudhir, Sen, Amartya (1994). *Sustainable Human Development: Concepts and Priorities*. UNDP.
- Baskan, B. (2002). Waqf system as a redistribution mechanism in Ottoman Empire. Northwest-



## The waqf's evidence of Khanom Zanjan mosque and school

Maziyeh Mortazavi Ghasabsaraei\*

### Abstract

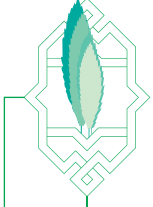
Women have been present in various social, economic, cultural and political fields in different historical periods; but for some reasons, their role has not been recognized as it should be and most of their services have been forgotten. One of the fields where women played a prominent role is the field of waqf as a social and cultural institution. Among these women is Jamileh Khanom, the daughter of Hossein Qoli Khan, Nazem al-Dowleh Zolfaqari, who in 1323 AH initiated the construction and waqf of a mosque-school in the city of Zanjan which is named after her, Khanom Mosque and School. The purpose of this article is to analyze the content of this waqf's evidence petition in a descriptive way.

**Key words:** Waqf, Mosque, School, Jamileh Khanom, Zanjan.

---

\*. PhD in the history of Islamic Iran

Mortazavi.qh@gmail.com



## رسالة الوقف لمسجد و مدرسة خانم زنجان

مرضيه مرتضوى قصاب سرايى\*

### الخلاصة

لقد كان للمرأة حضور فعال في مختلف المجالات الاجتماعية و الاقتصادية و الثقافية و السياسية في فترات تاريخية مختلفة، و لكن لأسباب خاصة لم يتم الاعتراف بدورها كما ينبغي، و نسيت معظم خدماتها. و من المجالات التي لعبت فيها المرأة دورا بارزا هو مجال الوقف كمؤسسة اجتماعية و ثقافية. و من تلك النساء جميلة خانم ابنة حسين قلي خان ناظم الدولة ذو الفقاري المتوفى سنة ۱۳۲۳هـ (۱۹۴۴م). التي بادرت ببناء و وقف مسجد يدرس فيه في مدينة زنجان، و الذي سمي باسمها مسجد و مدرسة خانم. الغرض من هذه المقالة هو مراجعة محتوى رسالة الوقف هذه بطريقة وصفية

كلمات مفتاحية: وقف، مسجد، مدرسة، جميلة خانم، زنجان

\*. دكتوراه في تاريخ إيران الإسلامية

Mortazavi.qh@gmail.com

## وقفنامه مسجد و مدرسه خانم زنجان

مقاله پژوهشی



مرضیه مرتضوی قصاب سرایی\*

### چکیده

زنان در ادوار مختلف تاریخی در عرصه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور مؤثری داشته‌اند اما به دلایل خاص نقش آنان آن طور که باید شناسانده نشده است و اغلب خدمات آنان به فراموشی سپرده شده است. یکی از عرصه‌هایی که زنان نقش تا حدودی پررنگ داشتند عرصه وقف به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی است. یاز جمله این زنان جمیله خانم دختر حسینقلی خان ناظم‌الدوله ذوالفقاری است که در سال ۱۳۲۳ق. مبادرت به احداث و وقف مسجد- مدرسه‌ای در شهر زنجان کرد که به نام وی مسجد و مدرسه خانم نامیده شده است. هدف مقاله حاضر بررسی محتوایی این وقف‌نامه طوماری به شیوه توصیفی است.

**کلید واژه:** وقف، مسجد، مدرسه، جمیله خانم، زنجان



## مقدمه

از موضوعاتی که در بررسی اسناد موقوفات و مطالعه و وقفنامه‌ها جلب توجه می‌کند موقوفات بانوان است. شمار زیادی از رقبات کوچک و بزرگ وقفی در شهرهای مختلف ایران موجود است که واقف آنها زنان بوده‌اند. یکی از مهمترین رقبات وقف شده از سوی بانوان مساجد- مدارس هستند که علاوه بر علقه‌های قوی مذهبی نشان از دغدغه بانوان در زمینه آموزش و فرهنگ و بالا بردن سطح اعتلای علم و دانش طلاب و دانش آموزان دارد. از جمله این بانوان واقف جمیله خانم بانی مسجد-مدرسه خانم در زنجان است. وی دختر حسینقلی‌خان ناظم‌الدوله ذوالفقاری<sup>۱</sup> و آسیه خانم، دختر میرزا ابراهیم‌خان سرتیپ خمسه (مظفرالدوله) و خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله<sup>۲</sup> بود. وی در سال ۱۲۹۱ق. با رضاقلی‌خان فخیم‌الدوله امیر تومان، پسر ابراهیم‌خان مظفرالدوله<sup>۳</sup> ازدواج کرد. پس از فوت رضاقلی‌خان، جمیله خانم بخشی از دارایی‌های او را در سال ۱۳۲۳ق. صرف احداث مسجد و مدرسه ای روبروی منزلش در کوچه فخیم‌الدوله نمود. این مسجد بزرگ، در سمت جنوبی و مدرسه مستقل آن با حجرات و صحن در کنار آن قرار دارد.<sup>۴</sup> جمیله خانم در سال ۱۳۲۶ ق. طی وقفنامه‌ای مفصل این دو بنای عام‌المنفعه را وقف کرد. نامبرده قبل از اتمام احداث این مسجد و مدرسه وفات یافت و جنازه‌اش مدتی در همان مسجد به امانت گذاشته و مدتی بعد به عتبات عالیات اعزام و در وادی السلام به خاک سپرده شد.<sup>۵</sup> به موجب این وقف نامه طوماری شکل جمیله خانم تنها دخترش فخرتاج خانم احتجاب‌السلطنه را متولی مدرسه قرار داد. پس از وی پسرش احمدخان منیع‌الدوله تولیت آن را بر عهده گرفت و

۱. حسینقلی‌خان افشار (ملقب به ناظم‌العداله) فرزند محمدقلی‌خان افشار و نوه ذوالفقارخان افشار، از شعرای و خوشنویسان دوره فتحعلی شاه بود. او جزو ملتزمین عباس میرزا بود و از این رو در شعر چاکری تخلص می‌کرد. (ویکی پدیا)

۲. ذوالفقارخان افشار اسعدالدوله (متوفی ۱۳۳۵ق.) از خوانین زنجان و فرزند حسین‌قلی‌خان افشار «ناظم‌العداله» فرمانده فوج سوار خمسه بود. وی در فتح هرات (۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ ق) با سواران خود در کنار مرادمیرزا حسام‌السلطنه پسر عباس میرزا جنگید و چون با فتح و پیروزی بازگشت مورد لطف شاه قرار گرفت. ناصرالدین شاه به وی درجه سرتیپی و لقب اسعدالدوله داد و او را به حکومت زنجان منصوب کرد. او مردی متدین و شجاع و مورد احترام بود. پل معروف به پل سردار از آثار اوست. (عاقلی، باقر، شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۹۷)

۳. امیرابراهیم‌خان مظفرالدوله از فرماندهان نظامی دوران قاجار و از سرداران سپاه ایران در جنگ هرات بود. پس از فتح هرات به دستور ناصرالدین‌شاه به مظفرالدوله ملقب شد و به رتبه امیرتومانی ارتقاء یافت. او در اواخر عمر به حکومت سیستان منصوب شد و قلعه ناصری را بنیان گذاشت که اکنون به شهر زابل تبدیل شده است

۴. این مسجد که فاقد گنبد است مشتمل بر سردر ورودی با دو مناره کوتاه، صحن، شبستان تابستانی و زمستانی، حجره‌های متعدد جهت سکونت طلاب علوم دینی می باشد.

۵. قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۹۳)، معرفی دو بانوی واقفدوره قاجار شهر زنجان، وقف میراث جاویدان، سال ۲۳، شماره ۸۵، ص ۱۲۷.

پس از آن تقی‌خان ذوالفقاری فرزند احمدخان متولی بنا گردید. این بنای تاریخی که به دست استاد اسماعیل بنا در دوره مظفرالدین‌شاه و محمدعلی شاه قاجار ساخته شده است، در اردیبهشت ۱۳۵۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید

## بررسی محتوایی وقفنامه

اهمیت وقفنامه‌ها نه فقط در بازخوانی بلکه در بررسی و تحلیل محتوایی آنهاست که منعکس کننده افکار و اعتقادات مذهبی و دغدغه خاطر واقفان هر عصر است. وقفنامه جمیله خانم نیز از این امر مستثنی نیست و دارای شرایط بسیار دقیقی است که اهم آن شروط بیتوته و اقامت در مسجد به منظور تحصیل علم است.

### ۱. مورد وقف

در این وقفنامه جمیله خانم از احداث و وقف یک مسجد و مدرسه ای کنار آن در جنوب دولتخانه شهر زنجان (محل قدیمی فخرالدوله) سخن گفته است. از محتویات وقفنامه چنین مشخص می شود که این مسجد و مدرسه جنب مدرسه دیگری که متصل به آنها بوده، قرار داشته است.

### ۲. اقامت در مدرسه

محتویات متن حاکی از وجود ۱۲ حجره برای سکونت ۲۴ طلبه است یعنی در هر حجره دو طلبه توانمند و مستعد سکونت داشتند. از شروط سکونت و ادامه تحصیل در این مدرسه اقامت دائم طلاب بود بطوری که حتی استفاده از تعطیلات جز برای طلاب متأهل و یا کسانی که عازم زیارت عتبات میشدند جایز نبود آنها نیز طی شرایطی می‌توانستند از این امتیاز استفاده کنند به این شرط که بایستی ظرف مدت ۴۰ روز به مدرسه بازگردند و در غیر این صورت مسکن و مقرری آنها به اشخاص دیگری واگذار میشد

از سوی دیگر برای این که طلاب با خیال راحت و بدون دغدغه معاش مشغول به تحصیل باشند برای هر یک مستمری و حقوق در نظر گرفته شد آن هم بدین شرط که «شبها در مدرسه مانده مشغول مطالعه و تحصیل بوده تغافل از درس و بحث خود ننموده» مدرسه را منزل و گذران امر معیشت خود قرار ندهند، گاهگاهی آمده در حجره نشسته ساعتی به عنوان تحصیل مشغول بوده بعد در حجره را قفل زده مانع از طلبه قابل و صاحب قوه و استعداد نگردند» واقفه در ادامه مقرر نمود که هر پنج سال یک بار از

۱. اصل: نه نموده



طّلاب و محصلین مدرسه امتحان گرفته شود تا طّلاب با استعداد به اقامت و تحصیلات خود در مدرسه ادامه داده و طّلاب بی استعداد از آن اخراج گردند. وی همچنین کلیه این مسئولیت را با متولی تعیین شده خود قرار داد.

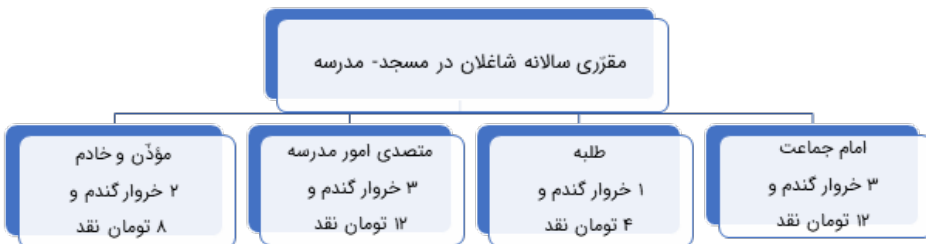
## ۲. کارکنان مسجد و مدرسه

برای اداره امور مربوط به مسجد و مدرسه نیاز به کارکنانی است که در وقفنامه مذکور از آنها به تفکیک نام برده شده است. وقفنامه‌ها از این منظر منبع بسیار خوبی برای آگاهی از تعداد شاغلین، سلسله مراتب، نوع فعالیت‌ها و... که به نوعی چارت سازمانی این مدارس محسوب می‌شوند، هستند.



## ۳. حقوق و مقرّری

تعیین پرداخت مقرّری به کارکنان مسجد و مدرسه از دیگر موارد مندرج در وقفنامه هاست. این موضوع بویژه برای طّلاب و محصلین حاضر در مدرسه از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که موجب میشود بدون هرگونه دغدغه خاطر از بابت تأمین معاش اهتمام جدیتری نسبت به امر آموزش داشته و منویات واقف را بخوبی محقق نمایند. با توجه به این موضوع جمیله خانم برای هر ۲۴ طلبه مشغول به تحصیل در مدرسه و متصدی اداره امور آن و نیز اما جماعت مسجد، مؤذن، مکّبر و خادم آن مبالغی نقدی و جنسی در نظر گرفته است.



سایر هزینه کردهای مسجد - مدرسه

مکتر، برف اندازی، پارو و جاروب  
۱۰ تومان

روشنایی مدرسه  
۱۲ تومان

روشنایی مسجد  
۱۲ تومان

#### ۴. اخراج از مدرسه

واقف برای ممانعت از هدر رفت سرمایه و جلوگیری از انحراف مسیر مدرسه از اهداف اصلی آن، متولّی و ناظر را موظف به نظارت بر وضعیت طلبّ و اخراج آن‌ها از مدرسه در دو صورت کرده است. مورد اول زمانی که از هر یک از طلبّ «فسق بر سبیل تظاهر یا ظهور خلاف مذهب» بروز و ظهور نماید و دیگر آن‌که پس از گذشت هفت سال اثری از ترقّی و پیشرفت تحصیلی در متعلّم دیده نشود. «در چنین شرایطی بر متولّی و ناظر فرض است که با اخراج وی و جایگزین شخص دیگری «مطلب اصلی که انتشار علوم دینیّه و استكمال خلقت بشریّه است، به منصّه ظهور رسد.»

#### ۵. منابع مالی مدرسه

هر مدرسه وقفی به منظور دوام و بقای خود نیاز به منابع مالی مستمرّ در قالب وقف دارد. از این رو واقفین برای تأمین مخارج مدرسه و حفظ آن برای آیندگان رقباتی را وقف میکردند تا از منافع حاصل از آن نیازهای مدرسه تأمین شود. جمیله خانم نیز بدین منظور یک دانگ از دو دانگ قریه سهرین از قراء زنجان رود خمسه (که مهریه وی در هنگام عقد ازدواج وی با رضاقلی‌خان بود) را با کافّة منضمات آن شامل دهکده، بیوتات، عمارات، تلال، جبال، چشمه‌ها، رودها، باغها، درختان مثمره و غیرمثمره، مراتع و ... را وقف مسجد-مدرسه مزبور کرد.

#### ۶. متولّی مدرسه

به موجب وقف نامه جمیله خانم تنها دخترش قمرتاج خانم احتجاج السلطنه را به عنوان متولّی تعیین و یک دهم از کل درآمد نقدی و جنسی رقبات وقفی را به عنوان حق التولیه قرار داد. همچنین مقرر نمود که بعد از دخترش تولیت به اورع و اصلح و اتقی اولاد او نسل در نسل با تقدم اولاد ذکور بر اناث و در صورت انقراض نسل یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان امر تولیت متولّیّه با شخص امین متدبّین عادل صالح. تولیت در هر عصر



و زمانی اولویت دارد بر کسی که شایسته هر سه منصب باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس. در هر صورت پس از فوت قمرتاج خانم ارشد اولاد او مرحوم احمدخان منیع الدوله و پس از وی فرزندش تقی‌خان ذوالفقاری امر تولیت را بر عهده داشته اند.

## ۷. مصارف وقف

طبق مندرجات وقفنامه درآمد رقبه وقفی به ترتیب اولویت بایستی به مصارف زیر

برسد:

- ۱- تعمیر، نگهداری و آبادی مسجد- مدرسه
  - ۲- دادن مواجب امام، طلاب، محصلین، مدرّس، خادم، مکتب، متصدی، مباشر، برف روبی، تأمین روشنایی مسجد و حجرات مدرسه و جاروب آنها.
  - ۳- برگزاری مراسم دهه محرم و شب‌های قدر ماه رمضان در مسجد و یا مدرسه موصوف غلیان و چایی و قهوه
  - ۴- خرید کتب علمی برای مدرسه و استفاده طلاب به شرط عدم خروج از مدرسه زیر نظر فردی امین و متورع و نیز خرید ظروف مورد نیاز طلاب
- واقفه در ادامه بیان داشت چنانچه باز هم مازد درآمدی در کار بود صرف خرید ملکی جهت مصارف مسجد و مدرسه (بر همین اساس بعدها مزرعه‌ای بنام نوهیل خریداری و به رقابت این بنا افزوده شد) و نیز تعمیرات آنها شود که در این مورد دو طریق را در نظر گرفت نخست در صورتی که مردم در سالی در وضعیت معیشتی خوبی بسر می بردند همه درآمد موقوفات صرف تعمیر مسجد و مدرسه شود و دیگر در صورت در پیش داشتن سال سخت و گرانی نرخها نصف درآمد صرف تعمیرات و نصف دیگر جهت متولی، امام جماعت، مدرس موذن خادم و طلاب هزینه گردد.

### مشخصات سند

واقفه: جمیله خانم ذوالفقاری

مورد وقف: مسجد و مدرسه

نام سازنده: حاج اسماعیل بنا

موقوف علیهم: طلاب علوم دینی

خط: نسخ و نستعلیق

ابعاد: ۲۲×۷۵ سانتی‌متر

تعداد سطر: ۱۱۱

دوره تاریخی: محمد علی شاه قاجار

تزیینات: مجدول با شمسه و تذهیب کاری

منشأ سند: دنیای زنان عصر قاجار<sup>۱</sup>

[متن سند]

### «هو الواقف علی الضمائر و السرائر»، «بسم الله الرحمن الرحيم»<sup>۲</sup>

«/ الحمد لله كما هو اهله و كلمما رام ملكه و لاحمد لاحد الا له الامر و الهكم الة واحد لا اله الا هو/ على علوه و عم آلاوه هو الله الواحد الاحد الودود و السامع الصمد لا مدرك لسقوه لا مدرك لعلوه/ لاوله لا لهو و لاو هم و لا سهو مهذ المهار سواء الطود و الوهاد له الحمد مدار كلمه و دوام ملكه/ و علمه و السلام لاکرم رسله ارسله ادلا لا لحكمه محمد رسوله و ادل معلومه لادرس له و هو مدرس/ مدرّس كل العلوم ما سُئل أحداً و كل الأسرار صار له معلوماً هو محلّ الحلال و محرّم الحرام و اله العالم/ العلماء الاعلام ... الكرام اولهم حامل لواء المحمد و اكملهم عمل ... والى العصر و العهد»<sup>۳</sup>

/ «و بعد»<sup>۴</sup> / ستایش بی آلابشی که اهل اخلاص با خلوص نیت و صفا طویت اهداء بارگاه صمدیت نمایند و سپاس بلند اساسی که ارباب اختصاص در غایت/ خضوع و خشوع مختص درگاه احدیت دانند مخصوص پروردگار احد صمدی است که وقوف واقفان مواقف صوامع عالم ملکوت در بندگی<sup>۵</sup> و اطاعت اوست/ و سجود ساجدان مساجد و معابد اقلیم جبروت بر پیشگاه بارگاه جلال و بزرگی او مبدعی که ابنیه رفیعة افلاک از چابک دستی معمار قدرت/ کاملة او کمتر نمونه‌ای است و عجائبات مختلفه مرکز خاک از ذخایر صنایع بی‌منتهای حکمت شاملة او ادنی مؤونه بانی امرش به اشاره سرانگشت کن طاق/ مقرنس آسمان معلی را با زینت «و لقد زیننا السماء الدنيا بزینة الکواکب»<sup>۶</sup> افراشته و فرش ملون

۱. مجموعه پرستو قاسمی، سند شماره (۱۵۱۷۱۸).

۲. شنگرف، منشأ سند: دنیای زنان عصر قاجار.

۳. به رنگ بنفش.

۴. شنگرف.

۵. اصل: زنده گی

۶. مؤونه:

۷. شنگرف، آیه ۶، سوره صافات: همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم.



زمین را به انواع تزئین/ «و لَقَدْ خَلَقْنَا الْأَرْضَ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا فِجَاجاً شُبَلاً لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»<sup>۱</sup> نگاشته و درود نامعدود و سلام و صلوات / نامحدود بر مقتدای نبیین و امام المرسلین و رحمت للعالمین مصداق کلام صدق انتظام «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ»<sup>۲</sup> / آن که بی مشقت درس و تعلیم معلّم علوم اوّلین و آخرین و بدون تحمّل کلفت تعلیم و تدرّس مدرّس مدرّس / طبقة کزوبین آمد علّت غایبی ایجاد جمیع/ ممکنات از قبه افلاک تا خطّه خاک برهان مبین «لولاک لما خلقت الافلاک»<sup>۳</sup> مقدّم در تحلی به حلیه وجود مؤخّر در تجلی نور ظهور/ به عالم شهود منعوت به نعت «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۴</sup> موصوف به وصف «إِنَّكَ لَمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۵</sup> مژده ده/ قدوم بهجت لزومش مسیح «بقوله انّی مبشّر برسولٍ و یأتی من بعدی اسمهُ أحمدُ المکرّم الاکرم الممجّد الا/ مجدّ النبّی الامّی العربی الهاشمی المصطفی محمد صلی الله علیه و اله»<sup>۶</sup> و بر آل اطهار و اولاد ابرار/ اخیارش مصادیق کریمه «و جعلناهم أئمةً یهدون بامرنا»<sup>۸</sup> مدرّس مدرّس «و علّمناهم من لدنا لنجباء/ النّقباء النّخباء الاتقیاء الازکیاء الاولیاء الاوصیاء الاصفیاء العلماء العظماء الکرماء الفصحاء/ البلغاء الرؤساء الامراء الشفعاء الشّهداء السّعداء الفقراء الفقهاء الصلحاء التّرمق الشجعاء الا/ کفّاء الحنفاء الطّرفاء العتقاء الطّلقاء الکرباء النّدراء النّظرء الخلفاء الشّرفاء العقلاء البدلاء/ الرّفقاء السّفراء الادبء الاحبء الاجلاء الادلاء الکرام سلاماً دائماً ابدأ سرمداً/ متعالیاً متوالیاً متواتراً متکاتراً متظافراً متضاعفاً الی یوم القیامه و بعد»<sup>۹</sup> / بر ارباب فطانت و ذکاء اصحاب کیاست و صفا مخفی نیست که به مفادّ نصّ صریح «الدّنیاء مزرعه الاخره»<sup>۱۰</sup> / هر که در این سرای عاریت همت بر اصدار اعمال شایسته کما شصت و پنج روزه زندگی<sup>۱۱</sup> را به کردار نیک مصروف داشت/ و در این مزرعه هر چند زودتر تخم نیکویی کاشت و مادام الاختیار بنای رفیعی در نیکنامی افراشت ذخیره آخرت او مهیا/ و مقام او در دار خلد که تغییر و

۱. شنگرف، آیه ۱۰، سوره زخرف: همان خدایی که زمین را محل آسایش قرار داد و در آن راههایی برای شما قرار داد تا شاید هدایت شوید  
 ۲. حدیث امام علی(ع): من وصی پیامبر بودم وقتی آدم هنوز در بین آب و گل بود.  
 ۳. حدیث قدسی: [ای محمد] اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم.  
 ۴. آیه ۴، سوره قلم: به راستی که تو [محمد] صاحب اخلاق عظیم و برجسته ای هستی.  
 ۵. شنگرف، آیه ۳ و ۴ سوره یس: که همانا تو از پیامبرانی. بر راه راست هستی.  
 ۶. آیه ۶، سوره صف: بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید.  
 ۷. شنگرف.  
 ۸. شنگرف، آیه ۷۳، سوره انبیاء: و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند.  
 ۹. شنگرف.  
 ۱۰. شنگرف، حدیث نبوی: دنیا کشتزار آخرت است.  
 ۱۱. اصل: زنده گی

زوالی در آن نیست معین گردید «فَطُوبَى لَه وَحُسْنُ مَآبٍ اَسِيْمًا» بانیان ابنیه رفیعه/ ابواب التبر و بقاع الخیرکه عهدی بعید و امدی مدید بر صفحه روزگار ناپایدار پایدار و برقرار و به مصداق صحیحه/ «ثَلَاثَةٌ فِی قُبُورِهِمْ وَ اَعْمَالِهِمْ فِی دِیَوَانِهِمْ»<sup>۱</sup> بعد از فوت و پس از موت نیز آنآ فائز فیض آن واصل و لا/ یقطع ثمر آن به تمدید متواصل آید خصوصاً بنای مساجد و معابد که نظر به حدیث صحیح « مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحِصِ قَطَاةٍ/ بَنَى اللّٰهُ لَه بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ »<sup>۲</sup> عوض آن « متحقق الوقوع در جنت عدن است «لَهُمْ فِیْهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»<sup>۳</sup> سعادت مند آن که این توفیقات/ رفیق او گردد و بلندمرتبه کسی که این سعادت ابدیه را دریابد « وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِیْهِ مَنْ یَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ »<sup>۴</sup> مصداق این مقال حال فرخ مآل علیا جاه مخدّره محترمه نجیبه علیه زین المستورات تاج المخدّرات العفیفه/ جمیله خانم - دامت عقبتها و زیّدت توفیقاتها- صبیّه مرضیّه رضوان علیین آشیان طوبی مکان حسینقلی خان- طاب ثراه- که توفیقات ابدیه و تأییدات/ سرمدیه شامل حال و کامل احوال آن مخدّره محترمه گردیده، مسجد و مدرسه در طرف جنوب دولتخانه و نزدیکی عمارت خود احداث و بنیاد فرموده به انضمام یک باب/ مدرس در جنب مسجد و مدرسه متصل به همدیگر به عون الله تعالی و حسن توفیقاته و محاسن تأییداته در غایت استحکام و نهایت اهتمام صورت انجام و اتمام پذیرفته/ که فی الواقع بنایی است چون عهد اهل وفا و وفاق مستحکم و متین و مانند توافق ارباب اتفاق با اجزا و ارکانی بس/ موافق و زرین چون کلام صفحاء مختصر و ملیح و همچون منظر شهداء دلگشا و صبیح «وقف مؤبّد»<sup>۵</sup> شرعی و حبس مخدّ اسلامی نمود/ قربتاً الی الله «وَ نِیْلًا لِمَثُوبَاتِهِ الْعَظْمَى وَ طَلَبًا لِمَرْضَاتِهِ الْقُصُوی»<sup>۶</sup> بر کافه اهل اسلام از متشبّثان به اذیال ائمه انام علیهم سلام الله/ المهمین السلام اما للمسجد فللمصلّین الذّین هم فی صلواتهم خاشعون و «اما المدرسه فللمُحَصّلی العُلوم/ لیتفقهوا فی الذّین و لیتذرو و اقومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون و اما المدرس ایضاً فلیُحَصّلی العُلوم/ تدریسیاً و تدرسیاً تعلیماً و تعلماً لیتقوه و الانذار»<sup>۷</sup> و از این که از لوازم

۱. شنگرف، بخشی از آیه ۲۹، سوره رعد: خوشا بر احوال آنها و بازگشت و مقام نیکو آنها راست.

۲. شنگرف.

۳. شنگرف، حدیث امام باقر(ع): کسی که یک مسجد بنا کند - هرچند کوچک باشد - خداوند یک خانه در بهشت برای او بنا می نماید

۴. شنگرف، بخشی از آیه ۲۱، سوره توبه: در آنجا آنها را نعمت جاودانی است.

۵. شنگرف، آیه ۴، سوره جمعه: این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است

۶. شنگرف.

۷. شنگرف.

۸. شنگرف.



است تعیین شخصی امین، صالح، متوزع دانای کامل که متصدی/ امور متعلقه به آن در آتق و فاتق و آمر و ناهی و متولی تقسیم وظایف و مباشر تجدید اساس و تعمیر در حین ... باشد و آن که مصداق عدالت/ و ماصدق کیاست و فطانت بود از نسل و اعقاب واقفة محترمة موفقه منحصرأ فی قضاء الله و قدره علیجاه المخدرة المحترمة العلیة العالیة النجیبة/ المستوره تاج المخدرات قمرتاج خانم- دامت عفتها و شوکتها- صبیة مرضیة علیین آشیان طوبی مکان رضاقلی خان فخیم الدوله- طاب الله ثراه- تولیت آن را مفوض و محول نمود من جمیع الجهات و من حیث الوجوه به معظم الیها که از هر جهت و هر حیثیت مختاره و صاحب اختیار باشد / یعنی هر کس را قابل و عادل داند و سزاوار امانت و نماز جماعت در مسجد منصوب فرمایند که به امامت مسلمانان قیام نماید و به قدری که/ صلاح و قابل داند از مداخل موقوفات که تفصیل آن خواهد آمد به جهت او مقرر دارد و مدرسی به جهت تدریس و تعلیم معین نماید و وظیفه [ای]/ نیز به جهت او و هکذا مؤذن و خادم و متصدی امورات مدرسه و سالیانة ایشان و هر حجره را دو نفر اصل/ که قابل و استعداد این تعلیم و تعلم و تدریس و تدرس داشته باشند طلبه و صاحب استمراری و وظیفه قرار بدهند/ به شرط بیتوته که شبها در مدرسه مانده مشغول مطالعه و تحصیل بوده، تغافل از درس و بحث خود ننموده/ مدرسه را منزل و گذران/ امر معیشت خود قرار ندهند، گاهگاهی آمده در حجره نشسته ساعتی به عنوان تحصیل مشغول بوده بعد در حجره را قفل زده مانع از طلبه قابل/ و صاحب قوه و استعداد گردند و در هر پنج سال تجربه و امتحان طلب و محصلین مدرسه و اخراج غیرقابل و ادخال قابل با ملاحظه عدم ادخال شرار آن/ و اخراج آن شرط اعظم بوده و می باشد و یک نفر فرع، مگر آن که صلاح در زیادتیر یا کمتر داند و سالیانه یا ماهیانه یا یومیه «غایه المراد/ و نهایه المقصود فی تلك المواد آن که» ۲ کل اوامر و نواهی و منع و زجر و اذن و رخصت و ادخال و اخراج و عزل/ و نصب و خط و یا سطرأ و جمعأ از حیثیت مدرسه و مسجد موکول و مرجوع برای زرین و صلاح مستحکم متین معظم الیها/ می باشد دون ما یستثنی احدا و یقصد اخراج شئی من امرها و نهیها و منعها و زجرها و ایصالها و امتناعها/ و غیرذلک مما حرزا و لم یحرر و زبر ام لم یزبر «و ایضاً وقف مؤبد و حبس دائم مخلص فرموده خالصاً/ لوجهه الکریم و استجلاً بالنواله الجسیم املاک همگی و تمامی» ۳ مفضلة مشخصة معینة محرره ضمن را به جهت

۱. اصل: نه نموده

۲. شنگرف.

۳. شنگرف.

وظایف مذکوره/ «مساحت» ۱ یک دانگ ملک از جمله دو دانگ مفروز از شش دانگ قریه سهرین ۲ من قراء زجانہ رود خمسه/ با کافّة منضّات و قاطبة حقوقات از دهکده و بیوتات و عمارات و تلال و جبال و عیون و انهار به هر اسم که باشد و حدائق/ و اشجار مثمره و غیرمثمره و کهول و کهوف ۳ و زاغه و مرايض احشام و اغنام و یونجه زار و علفخوار و چمن/ و مزارع مستقله و غیرمستقله بِأیّ اسم رسمت او سمیت و اراضی مائیه و دیمیه که فعلاً از مزارع و اراضی/ قریه مرقومه محسوب بوده و می‌باشد مستقلاً به اسمی نامیده شده و بیلاقات به هر اسم که باشد و فیفاء ۴ و بیداء ۵ و باغات/ مشجر و معتب ۶ و طواحين ۷ معموره و مخروبه به آی اسم سمیت و محل طواحين و قطعات به هر اسم که موسوم گردیده و کلاً/ یتعلق بها علی الرسم القديم و الوضع المتعارف بحیث لایستثنی منها شئی سواء سطر ... ام لم یسطر و ذکر ام لم یذکر/ در حالتی که مساحت مرقومه با مزارعات و ملحقات و مضافات آن هر یک محدود به حدود اربعه معینیه مشخصه معروفه بوده/ مستغنی از تحدید حدود می‌باشد «در وجه حضرات مسطوره و به مصارف و مخارج مدرسه و مسجد»/ و خرج تعمیر به مقتضای مصلحت و صوابدید متولیه- دامت توفیقاتها- چنان که سابقاً ذکر یافت که همچون روح در ملک بدن/ یا نازل منزله عقل کلّ که مدبران عالم اصغر و اکبرند در صورت عدم استقلال از جزوی و کلی متضمن/ مفسد عظیمه خواهد بود و در صورت اطلاق اختیار او ابصر است به صحّت و سقم امور و قدر قابلیت هر کس به این کیفیت/ که مادام مسجد و مدرسه را احتیاج به تعمیر نیست کلّ مداخل و منافع املاک و طواحين را به موجب تفصیل ذیل صرف وظیفه/ امام و طلاب و محصلین و مدرّس مدرسه و مؤدّن و خادم و مکتب و متصدی و مباشر دخل و خرج و سایر مباشران و کارکنان/ که ضرور و در کار باشند «امام جماعت» ۸ گندم سه خروار نقد دوازده تومان «طلاب و محصلین مدرسه» ۹ که دوازده حجره می‌باشند/ و در هر حجره دو نفر اصل که بیست چهار نفر می‌شود به هر یکی یک خروار گندم و چهار تومان نقد که عبارت باشد از بیست و چهار

۱. شنگرف.

۲. سهرین، روستایی از توابع بخش قره‌پشتلو زنجان.

۳. کهوف: غار (دهخدا)

۴. فیفاء: بیابان فراخ و بی آب (همان)

۵. بیداء: بیابان نرم و هموار و بی آب و علف. (همان)

۶. معتب: باغ انگور (همان)

۷. جمع طاحونه: آسیاب (همان)

۸. شنگرف

۹. شنگرف.



خروار گندم/ و نود و شش تومان نقد «متصدی امور مدرسه» گندم سه خروار و نقد دوازده تومان «مؤذن و خادم»<sup>۱</sup> گندم دو خروار/ نقد هشت تومان «روشنایی مسجد»<sup>۲</sup> دوازده تومان «برفاندازی و مکبر و پارو و جاروب»<sup>۳</sup> نقد ده تومان «روشنایی دوازده حجره»<sup>۴</sup> دوازده تومان و وجه گذران طلاّب به اقلّ ما یقنع هر قدر به هر کس مصلحت داند به قدر ضرورتهم و معاشهم علی قدر مراتبهم و زیّهم مقدّم بر سایر مصارف داشته برساند و از این که/ تشخیص حقّ التولیّه به جهات عدیده از لوازم و تعیین آن با واقفه است مقدار و مبلغ مفضلة معینة ضمن که عبارت است از عشر محصول و ماحصل و مداخل و منابع/ و مفضلات فوق یعنی به عبارت واضح ده یک جنس و نقد حاصل از املاک موقوفه به امضاء واقفه محترمه از جهت متولیّه معظمه -دامت عقّتها- معین گردید/ هرگاه فاضلی نیز بماند بعد از اخراج حقّ التولیّه و ایصال به همه اینها متولیّه محترمه مختاره است به این معنی که دهه عاشورا و ایام شبهای/ ماه مبارک رمضان را تعزیه‌داری نماید در مسجد و یا مدرسه موصوف غلیان و چایی و قهوه شود مگر این که صلاح مقتضی زیاده از اینها باشد اگر/ فاضلی بعد از اخراج و مصارف محرّره در فوق نیز بماند کتب علمیّه ابتیاع کرده به شخص امین متوزّع با تقوی محوّل و مرجوع داشته به موجب ثبت به محتاجین از محصلین/ داده به شرطی که از مدرسه خارج نمایند در هر ماهی و سالی به نظر همان شخص امین رسانده تجدید اذن و نظری نمایند و اگر ظروف لازمی محتاج‌الیه طلبه باشد مقرر فرمایند/ گرفته بدهند در صورت زیادی<sup>۵</sup> محصول و منافع املاک مسطوره از تمامی اخراجات و مصارف مفصّله مشرّحه در فوق زیادی را متولیّه محترمه در هر سالی جمع کرده ملک ابتیاع/ کرده محصول و منافع او را در مصارف و مخارج مسجد و مدرسه کما حرّز و سطر فی‌الفوق مصروف فرمایند و بعد از این که احتیاج به تعمیر افتاد اگر سالی است که معیشت بر مردم فراخ و نرخها/ ارزان است همه مداخل موقوفات را به مصرف تعمیر برساند الا حقّ التولیّه خود و وظیفه<sup>۶</sup> امام و مدرّس و مؤذن و خادم و طلاّب و هرگاه برخلاف ما ذکر که العیاذ بالله سالی است/ معیشت تنگ است و نرخها گران است نصف مداخل را به مصرف تعمیر مصروف دارند و نصف دیگر را به حضرات مذکوره/

۱. شنگرف.

۲. شنگرف.

۳. شنگرف.

۴. شنگرف.

۵. اصل: زیاتی

۶. وظیفه: حقوق (دهخدا)

و طلبه تقسیم فرماید و هر چی که در آبادی رعیت موقوفه و خود موقوفه از هر جهت و از هر حیث لازم داشته محتاج الیه است مراعات فرموده در آبادی استتکاف و مسامحه نفرمایند/ «صیغه وقف تمامی موقوفات فرداً فرداً بر هر یک جداگانه و علیحده وقوع و جریان یافت و اقباض متولیة محترمه گردید»<sup>۱</sup> / و او قبض و ضبط شرعی کرد و به عمل آورد و عمل به وقفیت فرموده هر یک از موقوف علیهم خطی که بالفعل می‌بایست برساند رسانیدند/ و کلّ شرایط صحّت و لزومات و ملزومات شرعیّه معمول شد «وقفاً خالصاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً به حیث لایمکن التّغیر و التّبدیل للوقف او لا / ... غیرها عاجلاً ام اجلاً حالاً او استقبلاً»<sup>۲</sup> و بعد از متولیة محترمه - حرّسها الله تعالی - مفوّض به اورع و اصلح و اتقی اولاد اوست/ و هكذا نسلأ بعد نسل و بطنأ بعد بطن، اولاد ذکور مقدّم بر اولاد اناث است و در صورت انقراض العیاذ بالله یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان امر متولیة/ راست که در حال حیات خود شخص امین متدین عادل صالح را که شایسته و برارنده امر تولیت باشد و داند نصب و تعیین نماید/ که بعد فوتها مباشر این امور باشد و هكذا آن شخص نیز این قاعده را مرعی دارد و هكذا هر متولی در عهد و اوان و هر عصر و زمان/ و هر یک از متولیهها در هر عهد و عصر اگر شایسته هر سه منصب باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس او اولی است از غیر در صورتی که / هر سه را مباشر شود سه وظیفه حظّ او باشد و اگر منصب دو وظیفه نیز شود و اگر یک یک مگر در سال تعمیر که صاحب سه منصب و دو منصب به نصف مانع شود خلاصه/ برای واقفه محترمه موقفه -دامت عقّتها- مادام الحیات تولیت قرار و معین شده که تصرف و مداخله در امورات مشروحه الفوق/ نماید بعد فوتها صبیة مرضیة صبیة محترمة واقفه معظمه راست استقلالاً تصرف داخله در تمامی امورات مخدّرة مشروحه که در فوق فمّن / بدّله بعد ما سمعه فانما اسمه علی الدّین یبدّلونه والله واسع علیم انّ الینا ایاهم ثمّ اتّعلینا.

### [سجّلات:]

۱. بسم الله خیر الاسماء الحمد لله علی الضمائر و السرادر و الصلوه علی محمد المبعوث علی القبائل و العشائر و اله علی الکرمین المنزهین عن الکبائر و الصغائر قد حصل الوقف بحد الاوقاف و شرائطها فیهِ المقرّره للمرقومه المحتومه بکافه لوازمها فی الصحه و

۱. اصل: علاحد  
۲. شنگرف  
۳. شنگرف



اللزوم و خلقها من النواقص و النوقض وقفه الواقف بمالها و مالها بالوقف المؤبد و الحبس المخلد حسبما زبر فی تلك الصحیفه الصحیحه لَدَى فی ثانى و عشرين شهر محرم الحرام و فی سنه ۱۳۲۶ / [مهر بیضی: عبده قوامالدين الموسوی

۲. بسم الله خير الاسماء و له الحمد و الصلوه على لنبى المرسل و آله الاطهار بعد از تحقق توكيل از مخدّره محترمه علیّه جمیله خانم بنت المرحوم المغفور حسینقلی خان - طاب ثراه- عیال مرحوم رضا قلیخان فخیم الدوله- طاب ثراه- صیغه وقف على ما فصل فی الورقه اجرا گردیده و اقباض معتبر در وقف به عبارت اخرى عمل به وقف هم به اطلاع احقر شد مضافاً بر متن بر حسب توكيل واقفه محترمه در ضمن صیغه وقف ... نظر و حق اطلاع و رسیدگی برای جناب مستطاب فضایل نصاب سلیل الاطیاب آقا سیدقوام الدین قلتوقی- سلمه الله- مادام الحیاه بر او داده شد که متولیه محترمه عصر همه ساله به اطلاع و تصویب ایشان بر طبق تعیین و اقتضاء عمل نماید و مخدّره محترمه قمر تاج خانم صبیّه واقفه محترمه هم بعد از اطلاع تصدیق و قفیه و اعتراف بر صحت وقف نموده و احتیاطاً امضاء هم نموده حرّزه الاحقر فی ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶ لعن الله من بدّله ... [مهر مربع: عبده محمد الموسوی

۳. بسم الله العالم الواقف على السرائر و الضمائر قد وقع الوقف الحبس فی عبارت للمزبور و اطلاق المنفعه مع قاطبه الاحكام و الشرايط المعتبره فی الشرع الانور فی الصحّه و اللزوم المقرره و هو كذلك و انا الاقل [مهر بیضی: عبده محسن الموسوی

۴. هو الواقف على كل حال قد جرت صیغه الوقفیه الصحیحه الشرعیه بالعربیّه و الفارسیه على الاسلوب المقرّره و وقوع الوقف من الواقفه الموفقه مدّ لها فی عمرها السعید و العیش الرغید الی یوم الوعید على الشرائط العدید [مهر بیضی: عبدهالراجی محمدصادق)

۵. بسم الله تعالى قد جرت صیغه الوقف الصحیح الشرعی وکاله عن الواقفه الموفقه المؤیّده -دامت برکتها و طال بقائها على حسب ما فصل و سطر فی الورقه من تعیین المتولی و الناظر و تجدید الشروط و المصارف و غیرها من البدایه الی النهایه فی ۲۲ شهر محرم الحرام من شهور ۱۳۲۶ و ایضاً قد صدر قبض الوقف و العمل علیه به اطلاع من الاحقر فی التاريخ المزبور [مهر بیضی: الواثق بالله عبدالرحیم

۷. صیغه وقف حسبما رقم فی الورقه جریان پذیرفته عمل له وقف هم شد. حرّز فی التاريخ [مهر بیضی: عبده احمد

۸. بسم الله تعالى .حوته هذه الورقه الشريفه من الوقف والعمل بها و عبارت الصيغه مع الشروط المقرره لاريب فيه [مهر بيضى: عبده المذنب غلامرضا
۹. مسطورات متن و سجلات مرقومه مطابق اعتراف واقفه باشد و انا الاقل[مهر بيضى: على الموسوى
۱۰. از همشیره مکرمه اقرار شنیدم در وقفیت یک دانگ از دو دانگ قریه سهرین ملکى خود را [مهر بيضى: ذوالفقار بن حسينقلی
- [حاشیه سمت چپ سند باخودکار آبی:] نمره ۲۲۴۱ ثبت دفتر معارف و اوقاف خمسه و سواد ضبط گردید. ۱۳۰۹/۱۲/۱۶
- [صدر سند:] تمبر دولت عليه وزارت عدليه مهر دفتر اوقاف
- حاشیه سمت چپ سند دارای دو مهر وصل مربع شکل با سجع ناخواناست.



## کتابنامه

- بامداد، مهدی، شرح رجال ایران در قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳، تهران: زوار، ۱۳۶۷.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- عاقلی، باقر، شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰.
- قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۹۳)، معرفی دو بانوی واقفدوره قاجار شهر زنجان، وقف میراث جاویدان، سال ۲۳، شماره ۸۵.
- قران کریم، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: دارا کتاب الاسلامیه، ۱۳۹۲.

